

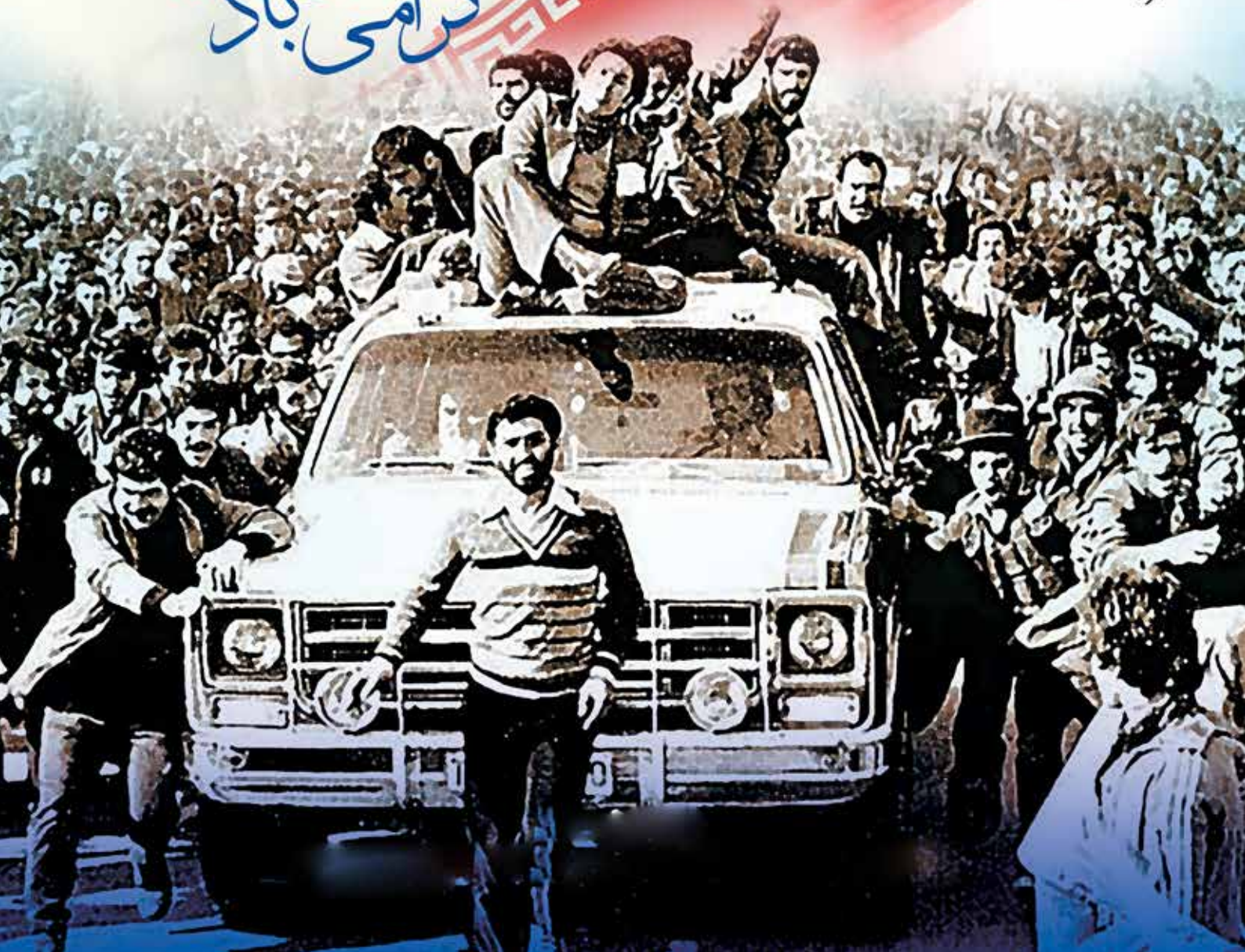
بهار

فصلنامه فرهنگی، تربیتی و اجتماعی
کریمه، ۵۸ صفحه سال اول، زمستان ۱۳۹۷
پیش‌شماره سوم، قیمت ۳۵۰۰۰ تومان

طلیعه / یادش بخیر
انتظار / یاری امام به عمل است نه ...
مقاله / مقام پدر
تریبون / ولایت فقیه در دو دقیقه
صمیمانه / کلیدهای خوشبختی
مهدویت / استعجال
تأمل / اولین مدافع ولایت
پرونده / چهل سال اقتدار
معرفی / امام ایران

افکار الهی

گرامی باد

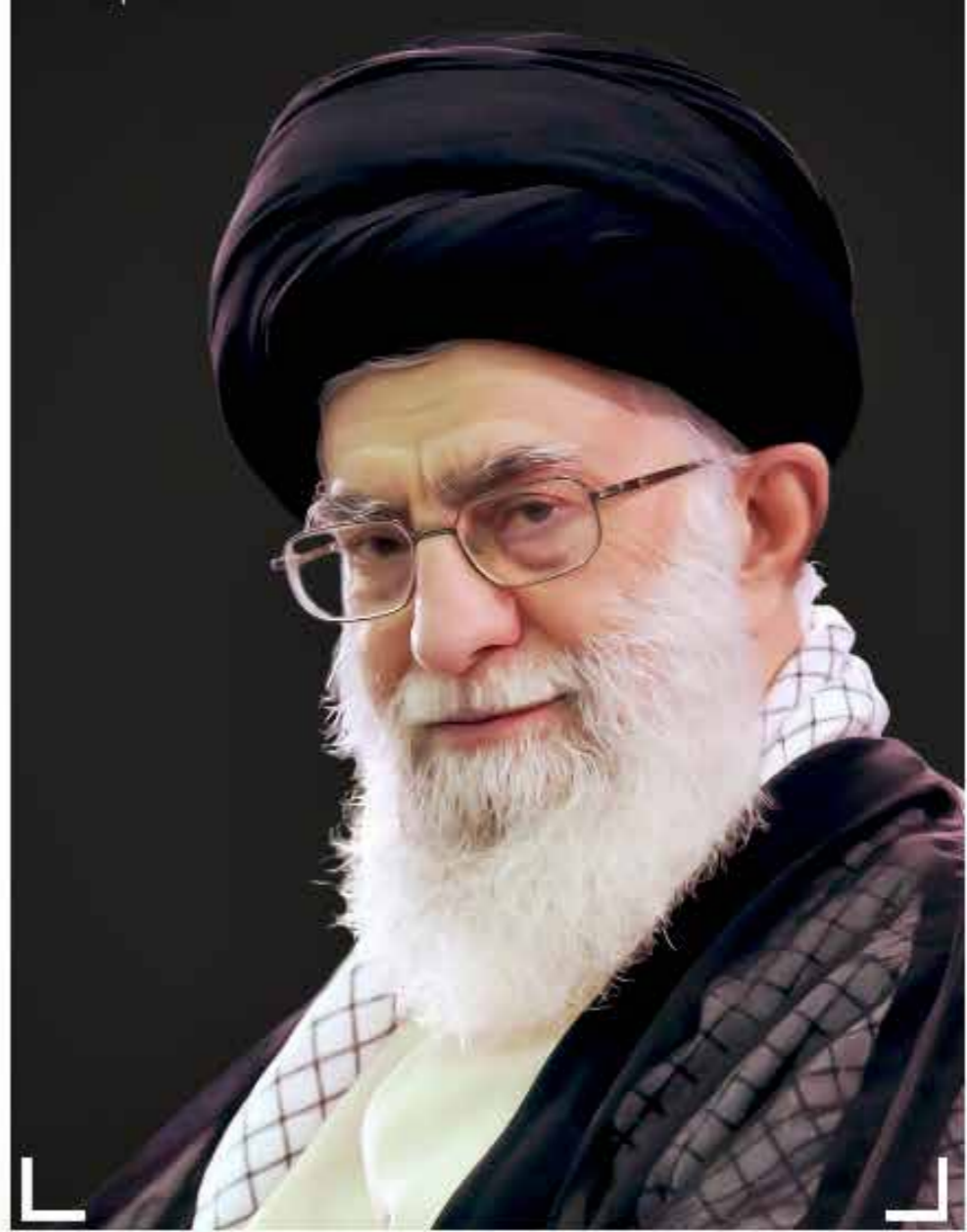




بسم الله الرحمن الرحيم

کریمه قم

فصلنامه فرهنگی، تربیتی و اجتماعی کریمه، ۵۸ صفحه
زمستان ۱۳۹۷ پیش شماره سوم، قیمت ۳۵۰۰۰ تومان



باید با نگاهی نو و دقیق به زندگی سیده ی زنان عالم، خصلت های برجسته ی ایشان نظیر تقوا، عفت، طهارت، مجاهدت، شوهرداری، فرزنداری، سیاست فهمی و حضور در مهمترین عرصه های حیات یک انسان را به معنای واقعی کلمه، الگو قرار داد.
بر خورداری ایران اسلامی از انبوه زنان فرزانه، تحصیل کرده، خوش فکر و ممتاز از نعمات الهی و جزو بزرگترین افتخارات جمهوری اسلامی است و این واقعیت که در تاریخ ایران بی سابقه است مدیون نگاه مبارک و پرتراوت اسلام و دیدگاههای کارگشای امام خمینی رحمه الله است.
۹۳/۱/۳۰

۲	مناجات / مناجات شاکین / زهرا ساکی
۳	طلیعه / یادش بخیر / فاطمه پرهیزگار
۴	سخن سر دبیر / همسفر / سمیه بابائیان
۶	انتظار / یاری امام به عمل است نه ... / زهرا خندان
۸	گذر زمان / زمستان در قاب / لعیاء سادات عیوضی
۱۰	لاله های سرخ / وقتی شاهرخ سیل حر انقلاب شد / زهرا ساکی
۱۲	داستان / عاق پدر / فاطمه سلطانی
۱۴	مقاله / کلبه / ناهید موحدی
۱۸	تربییون آزاد / ولایت فقیه در دو دقیقه / طیبه بابائیان
۲۰	پنجره در تصویر / گناه حقیقی در فضای مجازی / سمیه بابائیان
۲۲	سلوک / از کرامت بزرگان / زهرا ساکی
۲۴	رسانه / رسانه؛ سلاح جنگ روانی / محمدرضا دیلمقانی
۲۶	صمیمانه / کلیدهای خوشبختی / سیده زهرا امامی
۲۸	قلم / گام های پژوهش / معصومه پازوکی
۳۰	منجی / استعجال / فاطمه پرهیزگار
۳۲	یار مهربان / معرفی کتاب / ناهید موحدی
۳۴	تفکر / کاشت مژه / ناهید موحدی
۳۶	تأمل / سیره سیاسی / زهره محمودی
۳۸	پرونده ویژه / چهل سالگی انقلاب
۴۰	روزشمار انقلاب / فصل انقلاب / لعیاء سادات عیوضی
۴۲	پرونده / چهل سال اقتدار / محمدرضا دیلمقانی
۴۴	تورق / عزت و اقتدار مصور
۴۶	معرفی / امام ایران / زهرا خندان
۴۸	سلامت / علل پیدایش مزاج ها / فاطمه سلطانی
۵۰	دستپخت / پیشنهاد سراسپز / فاطمه شیری
۵۲	گزارش کار / اخبار فصل
۵۶	شعر / امام خمینی (ره) / مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

صاحب امتیاز:
مدرسه علمیه کریمه اهل بیت (ع) قم

مدیرمسئول:
فاطمه پرهیزگار

سردبیر:
سمیه بابائیان

هیئت تحریریه:
فاطمه پرهیزگار، زهرا ساکی، سمیه بابائیان

همکاران تحریریه:
ناهید موحدی، سیده زهرا امامی، زهرا خندان، فاطمه سلطانی، طیبه بابائیان، لعیاء سادات عیوضی، زهره محمودی

طراحی و صفحه آرایی:
عادل کریمی نیا

پیشنهاد و انتقاداتان را به نشانی صندوق پستی ۳۷۱۳۸۵۱۷۷۵ فرستاده و یا با شماره ۳۸۸۶۳۲۰۸ (داخلی ۱۰۶) تماس حاصل فرمایید. نشانی: نیروگاه، بلوار یادگار امام، خیابان شهید فرمانعلی مولایی، کوچه پنجم، مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیهما السلام

شماره تماس: ۰۲۵-۳۸۸۷۵۱۸۳
پایگاه اطلاع رسانی مدرسه: karimeqom.whc.ir
کانال های اطلاع رسانی در ایتا و سروش: @karime_qom
پست الکترونیک: qom.karimeh@gmail.com

مناجات شاکین

• زهرا ساکی

خدایا از نفسی که فراوان به بدی فرمان می‌دهد به تو شکایت می‌کنم
همان نفسی که شتابنده به سوی خطا و آزمند به انجام گناهان
و در معرض خشم توست
نفسی که مرا به راه هلاکت می‌کشاند
و هستی‌ام را نزد تو از پست‌ترین تباه شدگان قرار می‌دهد
بیماری‌هایش بسیار، آرزویش دراز است
اگر گزندی به او در رسد بی‌تابی می‌کند و اگر خیری به او رسد از انفاش دریغ می‌ورزد
به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه‌آکنده است
مرا به تندی به جانب گناه می‌راند و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می‌کند
خدایا از دشمنی که گمراه می‌کند و از شیطانی که به بی‌راهه‌ام می‌برد به تو شکایت می‌کنم
شیطانی که سینه‌ام را از وسوسه انباشته و زمزمه‌های خطرناکش قلبم را فرا گرفته است
شیطانی که با هوا و هوس برایم کمک می‌کند
و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می‌بخشد
و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می‌افکند
خدایا از دلی شکایت می‌کنم که همچون سنگی
که با وسوسه زیر و رو می‌شود و به آلودگی نافرمانی آلوده شده
خدایا از چشمی که از گریه ناشی از هراس تو خشک شده
و در عوض به مناظری که خوش آیند آن است
خیره گشته به تو گلابه می‌کنم
خدایا توان و نیرویی برای من جز به قدرت
تو نیست
راه نجاتی از گرفتاری‌های دنیا جز
نگه داری تو برایم نمی‌باشد
از تو خواستارم به رسایی حکمت،
و نفوذ ارادات
که مرا جز جودت در معرض چیزی
قرار ندهی
و هدف فتنه‌ها نگردانی، و علیه
دشمنانم یاور باشی
و پرده پوش رسوائی‌ها و عیوبم گردی
و از بلا ننگه دار و از گناهان بازدارنده‌ام باشی
به مهر و رحمت ای مهربانترین مهربانان.

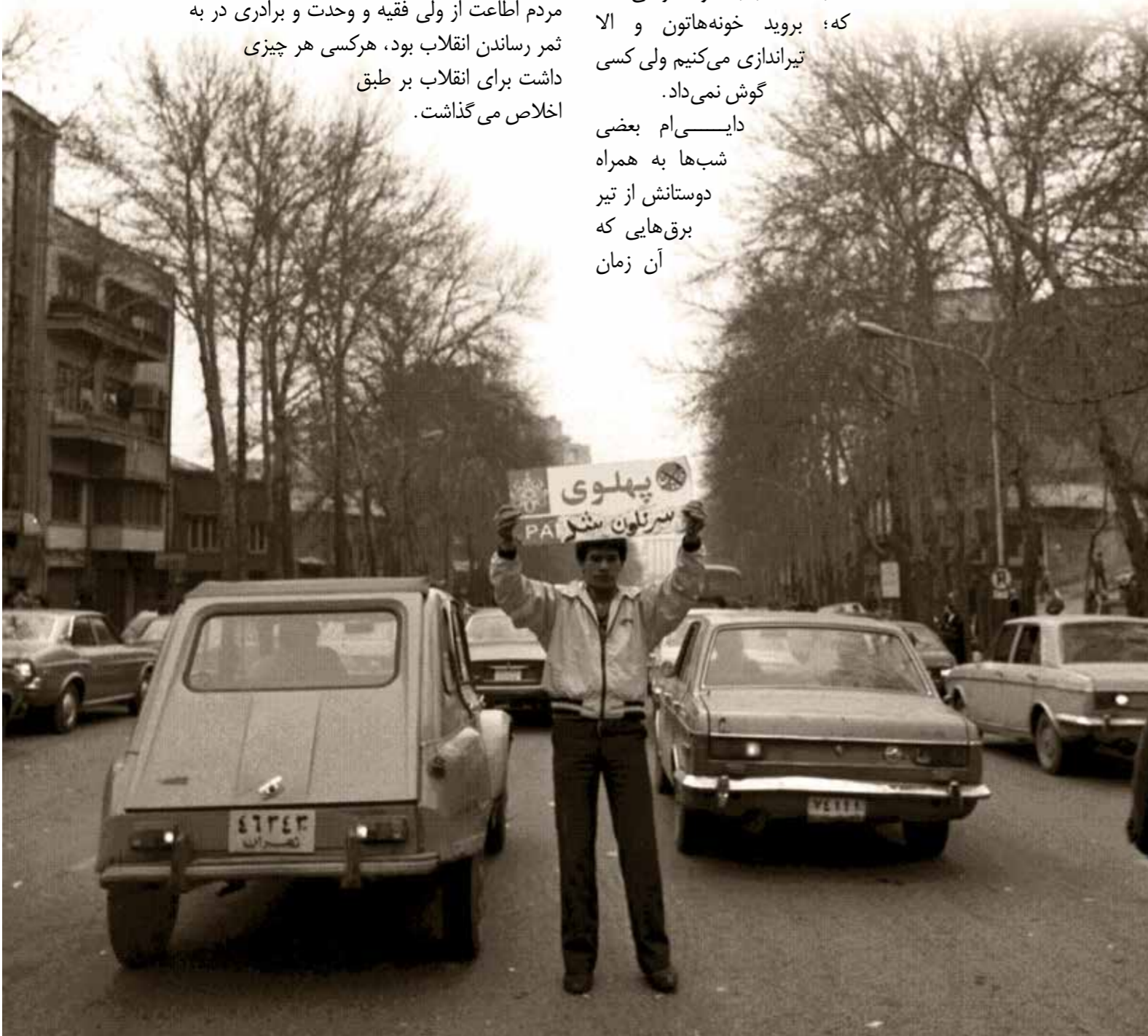
• فاطمه پرهیزگار

یادش بخیر...

خوب یادم هست کلاس سوم ابتدایی بودم. شب‌ها و روزهای
سخت سال ۵۷ بود، شاه اعلام حکومت نظامی کرده بود و
کسی شب‌ها حق بیرون آمدن از خانه نداشت من به همراه
دایی و دو نفر از خاله‌هایم ساعت ۹ شب که می‌شد می‌رفتیم
پشت‌بام و همسایه‌ها و دیگر انقلابیون هم می‌آمدند و با ذکر
تکبیر مبارزه شروع می‌شد.
البته مردم شعارهای دیگری را نیز مثل مرگ بر شاه و زنده
باد خمینی و ... را بانگ می‌زدند و به دنبال آن ژاندارم‌های
شاه اسلحه به دست با بلندگو تذکر می‌دادند
که: بروید خونه‌هاتون و الا
تیراندازی می‌کنیم ولی کسی
گوش نمی‌داد.

دایی‌ام بعضی
شب‌ها به همراه
دوستانش از تیر
برق‌هایی که
آن زمان

چوبی و استوانه‌ای شکل بودند مثل آتش نشان‌ها پایین سر
می‌خوردن و خودشون رو از بالای پشت بام به خیابون‌ها
می‌رساندند و ما نیز روی پشت بام‌ها شعار می‌دادیم.
اما مگر ساواک دست بر می‌داشت؛ آن‌ها پیوسته با مردم
درگیر می‌شدند و به سمت مردم شلیک می‌کردند.
روزهای انقلاب ۵۷ برای خودش نشانگر صحنه‌های
مقاومت و ایستادگی با حداقل‌ها در برابر ظلم و ظالم بود.
آن روزها زنان دوشادوش مردان در صحنه‌های مبارزه بودند
و چه بسا مسئولیت آن‌ها سنگین‌تر هم بود و ما هم از این
قاعده مستثنی نبودیم و به همراه مبارزان انقلابی از خانه‌های
مردم شیشه آلبیمو، پارچه کهنه و ... جمع می‌کردیم و برای
درست کردن کوکتل مولوتف به انقلابیون می‌رساندیم.
یادش بخیر، خیلی روزهای پر خاطره‌ای بود، تمام دغدغه
مردم اطاعت از ولی فقیه و وحدت و برادری در به
ثمر رساندن انقلاب بود، هرکسی هر چیزی
داشت برای انقلاب بر طبق
اخلاص می‌گذاشت.



او بی‌معنی است، چرا که محبت به او را منافی شأن خود می‌دانند، مردان کشور من! خیلی دلم از آن‌ها پر است به نظر من ارزش زندگی مشترک را ندارند و صد سال مجرد ماندن و حامی نداشتن بهتر از لحظه‌ای ماندن در کنار آن هاست. در فکر فرو رفتیم، در مخیله من هم نمی‌گنجید، اختلاف فرهنگی در دو کشور مسلمان تا این حد...

آیا می‌توان پذیرفت در یک جامعه اسلامی بعد از ۱۴۰۰ سال زن هنوز یک ابزار باقی مانده باشد و با او همچون برده رفتار کنند، مگر اسلام به زن جایگاه ویژه نداد، پس چرا اختلاف بین کشور ما و فلان کشور اسلامی، از آسمان تا به زمین است، تا جایی که خاطرات ما برای آن‌ها آرزویی دست‌نیافتنی است.

آری اسلام به زن کرامت انسانی داد و قرن هاست که اسلام در گوش زمان فریاد می‌زند که المرأة الريحانه، اما کشورهای اسلامی بسیاری هستند که فرهنگ جاهلی در آن‌ها بیداد می‌کند؛ و اما در ایران، انقلاب بود که زن را از جاهلیتی که

شاهان و شاهزادگان با لعاب زیبایی آزادی آن‌ها را به زنان تحمیل کرده بودند، رها کنید و به او مقامی بس والا و انسانی داد.

انقلاب بود که حقوق پایمال شده زنان؛ زیر سُم ستوران قدرت را احیا کرد و او را از بند ابزاری بودن رها کرده و وارد عرصه اجتماع کرد و حقوق مساوی آنها با مردان را احیا کرد، این انقلاب بود که امنیت زنان را به تمام معنا تأمین کرد و این انقلاب باید بماند... درود بر انقلاب و رهبر آن و خون‌هایی که در راه آن ریخته شد.

مسرور باشید



در یکی از سفرهایی که داشتم، با خانمی آشنا شدم؛ از یکی از کشورهای همجوار به ایران آمده بود، بسیار خوشرو و با محبت بود، به هر شکلی که در توان داشت به من محبت می‌کرد، انگار برای محبت ورزیدن نیازی به اشتراک زبانی نداشت.

در ابتدا دست و پا شکسته با او ارتباط برقرار کردم اما در اثنای صحبت‌هایش متوجه شدم که او نیز با من هم‌زبان است؛ برایم جالب بود یک‌کُرد خارجی؟ به هر حال وسیله‌ای شد که بهتر بتوانم با او ارتباط بگیرم.

پیوسته دوست داشت با من صحبت کند، می‌گفت: ایران زیباست، با فرهنگ است، مردهای ایرانی بسیار مؤدب و محترم هستند؛ باورم نمی‌شود چنین مردانی وجود داشته باشند. همچنان ادامه می‌داد، مشهد بودم؛ برای زیارت آقا امام رضا علیه‌السلام و با دلی پر از هیاهو عازم ایران شدم، اما همینکه به حرم رسیدم محو تماشای روابط باور نکردنی زوجین ایرانی شدم، مردانی را می‌دیدم که دست در دست

همسرانشان با شوقی در دل و لبخندی بر لب به زیارت آقا علیه‌السلام می‌آمدند. در مخیله من نمی‌گنجید، بسیار رؤیایی و جذاب بود، ساعت‌ها به تماشای این صحنه‌ها می‌پرداختم اما انگار تکراری نبود و پیوسته جذاب‌تر می‌شد، تا جایی که یادم رفت حرم هستم. با برقی در چشم می‌گفت: کاش من یک زن ایرانی بودم و با حسرت می‌گفت: کاش...

ادامه داد، بله من کرد زبانه، اما اهل کشوری هستم که از نظر نژاد، زبان، فرهنگ و باورها شکاف عمیقی بین ما و آن هاست، در کشور من با زن همچون بردگان رفتار می‌شود، زن فقط یک ابزار است و برای مردان محبت به

همسفر...

• سمیه بابائیان

یاری امام به عمل است نه ...

• زهرا خندان

روایتی به نقل از مولی الموحدين امیر المؤمنین علی علیه السلام است که می فرماید: **وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ** و از نور دانشش روشنی می گیرد، آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده، و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید.

بَطْمَرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصَيْهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ (نهج البلاغه، نامه ۴۵)

پس اگر می خواهیم یاور امامان باشیم باید: ورع؛ اجتهاد؛ عفة و سداد را در خود ایجاد کنیم.

ورع حالت و خصلتی است که مانع از انجام معصیت و گناه می شود؛ همچنان که در دعای ابو حمزه ثمالی آمده است: **اللَّهُمَّ أَعْطِنِي ... وَرَعًا يَجْزُنِي عَنْ مَعْصِيكَ**؛ خدایا، به من ورعی عطا کن که از گناهت باز دارد. با خصلت ورع، اجتناب و کناره گیری از معاصی و محرّمات و شبهات میسر می شود.

امام صادق (ع) در روایتی می فرماید: **لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادُ لَا وَرَعٍ فِيهِ**؛ هر کوششی که بدون ورع باشد سودبخش نخواهد بود.

(محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ۱۴۱۶: ج ۱، ۴۵۹)

بنابراین، ورع و اجتهاد یکدیگر را به تعادل می رسانند و کسی که می خواهد ولی خدا را یاری کند، تمامی گام هایش حساب شده برداشته می شود و همراه با ترس و حذر است و او در هر عمل و تلاش خود حساب نیت، سنت و اهمیّت را خواهد داشت.

که لازمه ی آن این است که تهذیب

نفس را روح حاکم بر زندگی

بدانیم. اهل صبر و

استقامت و اجتهاد باشیم

که فاذا فرغت فأنصب

و إلى ربك فأرغب

(سوره شرح ۷۸)

باید عامل باشیم

و خالص. تنها

صالح است که

می تواند مصلح

باشد.

آفت های گوناگون شهوات که از پشتوانه غضب آدمی بر خور دارند- پیوسته در کمین انسان ها هستند؛ به ویژه آن جا که شهوات، محبوب هم شده باشند و توجیه و تزئین را با خود به همراه داشته باشند: **زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ** (آل عمران: ۱۴). این شهوات محبوب برای او توجیه و زینت داده می شود و با این توجیه و زینت منافع خود است که حتی به آدم کشی دست می زند. حالت و خصلت اخلاقی عفت، همان پاکی و مصونیت بخش از این آسیب ها و آفت های شهوات غضب آورده و شبهات است و بدون این حالت عفت و پاکی نمی توان پا به عرصه عمل گذارد.

خصلت و حالت سداد همان ویژگی ای است که تمامی شکاف ها و خلأها را می پوشاند و کاستی ها و بایسته ها را در نظر می گیرد. با وجود سداد منتظران سعی و تلاش خود را برای تسدید شکاف به کار می گیرند و کسری ها را پر می کنند و با توجه به اهمیّت ها و اولویّت ها دست به کار می شوند.

پس باید بخواهیم که، دغدغه مندی نسبت به دیگران را ترویج دهیم و بی تفاوتی در آحاد جامعه را نسبت به اطرافیان و جامعه را رفع کنیم که «ما به خاطر تحقق حیات طیبه ی اسلامی، نه فقط برای خودمان، بلکه برای بشریت مبارزه می کنیم» (سخنرانی رهبر معظم در حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۵/۱/۴)

و با ایجاد این خصلت هاست که می توانیم با زبان یار امام حسین علیه السلام در سرزمین کربلا بگوییم:

اوفیت یا صاحب الزمان؛

که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا

تا کی حیران و سرگردان در جستجوی تو باشم ای مولای من ...

۴ دی: ولادت حضرت مسیح

امام علی علیه السلام درباره سبک زندگی حضرت عیسی علیه السلام فرمودند: بالشتاش سنگ، لباس اش خشن و غذایش ناگوار بود. خورشش اش گرسنگی و چراغ اش در شب، ماه و سایانش در روز، شرق و غرب زمین بود. میوه و سبزی اش، گیاهانی بود که در مناطق مختلف می روید.

۹ دی: حماسه نهم دی



۲۲ دی: میلاد حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام در واقعه کربلا و دوران اسارت پس از این واقعه نقش ویژه ای داشتند، صبر و پایداری آن بانو در واقعه عاشورا علی رغم از دست دادن عزیزترین کسانش موجب شد که به عنوان اسوه صبر و همچنین پرستاری از بیمار کربلا [حضرت زین العابدین علیه السلام] موجب شد که بعنوان اسوه پرستاری، جاودان شود.



۲۰ بهمن: شهادت حضرت زهرا علیها السلام

از اسماء بنت عمیس روایت شده که فاطمه علیها السلام به من فرمودند: از این که جنازه زن ها را برای حمل روی تخته ها گذاشته و بر آن پارچه می کشند و برجستگی بدن پیدا است، نا خرسندم، اسماء گفت: موقعی که حیشه بودم، چیزی دیدم که نظر شما را تأمین می کند و اکنون آن را برای شما تهیه می کنم. آنگاه چند چوب تر از شاخه خرما کنده و آن ها را خم نمود و به دو طرف بست و سپس رویش پارچه کشید. چون حضرت آن را دید لبخندی زد و فرمود: چیز خوبی است! جنازه زن از مرد شناخته نمی شود.

۷ اسفند: ولادت حضرت زهرا علیها السلام

به گفته عایشه هرگاه که فاطمه علیها السلام بر پیامبر وارد می شد رسول خدا صلی الله علیه و آله به احترام ایشان از جای بر می خاست و پیشانی او را می بوسید، در حین ورود از او استقبال می کرد و در حین خروج مشایعتش می فرمود.

۱۷ اسفند: ولادت امام باقر علیه السلام

پدر امام محمدباقر علیه السلام علی بن الحسین علیه السلام معروف به سجاد و زین العابدین و مادرش فاطمه بنت الحسن المجتبی علیه السلام معروف به ام الحسن و ام عبدالله می باشند و چون نسب شریف ایشان هم از پدر و هم از مادر به امام امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می رسد، به ایشان علوی بین علویین و فاطمی بین فاطمیین گفته می شود. امام محمدبن علی علیه السلام مکنی به ابوجعفر و ملقب به باقرالعلم و باقرالعلوم می باشد.



۱۹ اسفند: شهادت امام هادی علیه السلام

امام علی النقی علیه السلام پس از ۱۳ سال امامت در شهر مدینه توسط متوکل [خلیفه ی وقت] که در دشمنی با ائمه اطهار علیهم السلام مشهور بود؛ به سامرا فراخوانده شد. زیرا احساس می کرد که باید امام را از نزدیک تحت نظر بگیرد. او به طور مرتب دستور تفتیش منزل ایشان را صادر می کرد و تمام دیدارها و رفت و آمدها توسط نیروهای حکومتی کنترل می شد تا اینکه او را به شهادت رساند.



۲۶ اسفند: ولادت امام جواد علیه السلام

تولد مبارک امام جواد علیه السلام نه تنها پایان بخش دلهره های شیعیان و افشای نیت فرصت طلبان و سودجویانی چون فرقه واقفیه بود، بلکه آغاز فصل نوینی از تاریخ ائمه اطهار است. چون رنگ پوست امام جواد علیه السلام به شدت متمایل به سبزه بود، مردم در فرزندی او نسبت به حضرت امام رضا علیه السلام شک کردند، اما وقتی قیافه شناسان، او را دیدند همگی اقرار کردند که او از خاندان نبی اکرم و امیرالمؤمنین علیهم السلام است.



۲۹ اسفند: ولادت امام علی علیه السلام

۱۳ رجب سال سی ام عام الفیل! آسمانیان طبق طبق نور می آوردند، آن گاه که دیوار کعبه شکافته شد و فاطمه بنت اسد قدم به درون کعبه نهاد که علی اعلی خانه خویش را از برای قدوم مبارک او آماده کرده بود... و او آمد که نام خود را از خدا گرفته بود و آمده بود تا بت های خانه را درهم بشکند و بر پشت بام آن ندای یگانگی و توحید ذات مقدس خدای تعالی را سر دهد و او را تقدیس کند و فریاد حق طلبی اش را از میان کفرها و نفاق ها به گوش جان های عاشقان برساند و پرواز شورآفرین کبوتران عشق را جانی تازه بخشد.

۲۹ اسفند: روز ملی شدن نفت

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران در روز ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۲۹، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی، اقتصادی و مبارزات مردم ایران برای نجات سرمایه های ملی این مرز و بوم از دست بیگانگان به شمار می رود.

• زهرا ساکی

وقتی شاهرخ سبیل، خُر انقلاب شد

شهید ضرغام در یکم دی ماه سال ۱۳۲۷ در تهران دیده به جهان گشود و از همان دوران کودکی، با آن جثه درشت و قوی نشان داد که خلق و خوی پهلوانان را دارد شاهرخ هیچگاه زیر بار حرف زور و ناحق نمی رفت، دشمن ظالم و یار مظلوم بود. در دوازده سالگی طعم تلخ یتیمی را چشید. از آن پس با سختی، روزگار را سپری کرد در جوانی به سراغ کشتی رفت. سنگین وزن کشتی می گرفت. چه خوب پله های ترقی را یکی پس از دیگری طی می کرد. قهرمان جوانان، نایب قهرمان بزرگسالان دعوت به اردوی تیم ملی کشتی فرنگی.

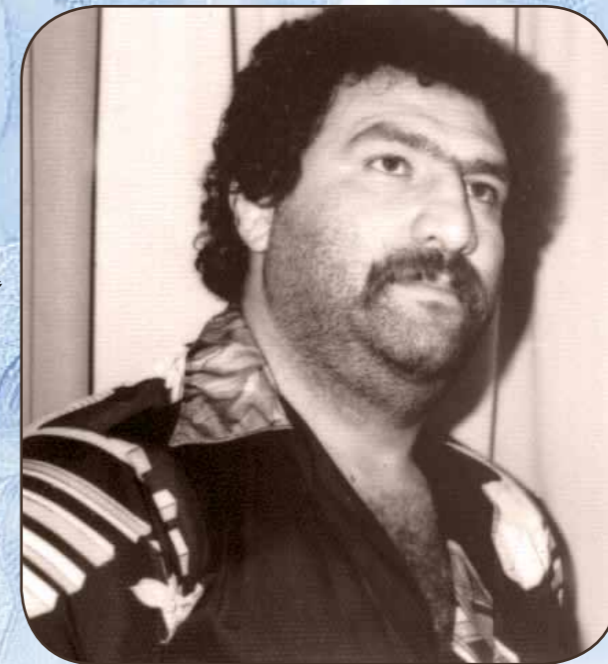
همراهی تیم المپیک ایران و... بدنش بسیار قوی بود. قدرت بدنی، قد بلند، دستان کشیده و استفاده صحیح از فنون باعث شد که به مقام قهرمانی دست پیدا کند. سال پنجاه و پنج آخرین سال حضور او در مسابقات کشتی بود. صبح یکی از روزها با هم به کاباره پل کارون رفتیم. به محض ورود، نگاهش به گارسون جدیدی افتاد که سر به زیر، پشت قسمت فروش قرار گرفته بود. با تعجب گفت: این کیه؟ تا حالا اینجا

ندیده بودمش؟! در ظاهر، زن بسیار باحیائی بود. اما مجبور شده بود بدون حجاب به این کار مشغول شود. شاهرخ جلوی میز رفت و گفت: همشیره تا حالا ندیده بودمت، تازه اومدی اینجا؟! زن خیلی آهسته گفت: بله، من از امروز اومدم. شاهرخ دوباره با تعجب پرسید: تو اصلاً قیافت به این جور کارها و این جور جاها نمی خوره، اسمت چیه؟ قبلاً چیکاره بودی؟ زن در حالی که سرش رو بالا نمی گرفت گفت: مهین هستم، شوهرم چند وقته که مرده، مجبور شدم که برای اجاره

خانه و خرجی خودم و پسرم بیام اینجا! شاهرخ، حسابی به رگ غیرتش بر خورده بود، دندانهایش را به هم فشار می داد، رگ گردنش زده بود بیرون، بعد دستش رو مشت کرد و محکم کوبید روی میز و با عصبانیت گفت: ای لعنت بر این مملکت کوفتی، بعد بلند گفت: همشیره راه بیفت بریم، همینطور که از در بیرون می رفت رو کرد به ناصر جهود (صاحب کاباره) و گفت: زود بر می گردم! مهین هم رفت اتاق پشتی و چادرش رو سر کرد و با حجاب کامل رفت بیرون. بعد هم سوار ماشین شد و حرکت کردند. مدتی از این ماجرا گذشت. تا اینکه یک

روز در باشگاه پولاد همدیگر را دیدیم. بعد از سلام و علیک، بی مقدمه پرسیدم: راستی قضیه اون مهین خانم چی شد؟ اول درست جواب نمی داد. اما وقتی اصرار کردم گفت: دلم خیلی براشون سوخت، اون خانم یه پسر ده ساله به اسم رضا داشت. صاحب خونه بخاطر اجاره، اثاث ها رو بیرون ریخته بود. من هم یه خونه کوچیک تو خیابون نیرو هوایی براشون اجاره کردم. به مهین خانم هم گفتم: تو خونه بمون بچه

ات رو تربیت کن، من اجاره و خرجی شما رو میدم. اما اینها همه ماجرا نبود. قدرت بدنی، شجاعت، نبود راهنما، رفقای نا اهل و... همه دست به دست هم داد. انسانی بوجود آمد که کسی جلودارش نبود هرشب کاباره، دعوا، چاقوکشی پدر نداشت از کسی هم حساب نمی برد. مادر پیرش هم کاری نمی توانست بکند الا دعا! اشک می ریخت و برای فرزندش دعا می کرد. خدایا پسرم را بیخوش، عاقبت به خیرش کن. خدایا پسرم را از سربازان امام زمان (عج) قرار بده. دیگران



به او می خندیدند. اما او می دانست که سلاح مومن دعاست. کاری نمی توانست بکند الا دعا.

همیشه می گفت: خدایا فرزندم را به تو سپردم. خدایا همه چیز به دست توست. هدایت به وسیله توست. پسرم را نجات بده زندگی شاهرخ در غفلت و گمراهی ادامه داشت. تا اینکه دعاهای مادر پیرش اثر کرد. مسیحا نفسی آمد و از انفاس

خوش او مسیر زندگی شاهرخ تغییر کرد بهمن ۵۷ بود. شب و روز می گفت: فقط امام، وقتی در تلویزیون صحبت های امام رحمه الله پخش می شد، با احترام می نشستم، اشک می ریخت و با دل و جان گوش می کردم. همیشه می گفت: هرچه امام بگوید همان است. حرف امام برای او فصل الخطاب بود. برای همین روی سینه اش خالکوبی کرده بود که: فدایت شوم خمینی. ولایت فقیه را به زبان عامیانه برای رفقایش توضیح می داد. از همان

دوستان قبل از انقلاب، یارانی برای انقلاب پرورش داد. وقتی حضرت امام فرمود: به یاری پاسداران در کردستان بروید. دیگر سر از پا نمی شناخت. حماسه های او را در سنج، سقر، شاه نشین و بعدها در گنبد و لاهیجان و خوزستان و... هنوز در خاطره ها باقی است. شاهرخ از جمله کسانی است که پیر

جماران در رسایشان فرمود: «اینان ره صد ساله را یک شبه طی کردند. من دست و بازوی شما پیشگامان رهائی را می بوسم و از خداوند می خواهم مرا با بسیجیانم محشور گرداند».

وقتی از گذشته زندگی خودش حرف می زد داستان خُر را بازگو می کرد خودش را خُر نهضت امام می دانست. می گفت: خُر قبل از همه به میدان کربلا رفت و به شهادت رسید، من هم باید جزء اولین ها باشم. در همان روزهای اول جنگ از همه جلوتر پا به عرصه گذاشت. آنقدر دلاورانه جنگید که دشمنان برای سرش جایزه تعیین کردند. آنقدر شجاعانه رفت تا کسی به گرد پایش نرسد. رفت و رفت. آنقدر رفت تا با ملائک همراه شد. شاهرخ پروازی داشت تا بی نهایت. پس از سی و یک سال زندگی پر فراز و نشیب در هفدهم آذر پنجاه و نه در دشتهای شمال آبادان این پرواز را ثبت کرد. پروازی با جسم و جان. کسی دیگر او را ندید؛ حتی پیکرش پیدا نشد.

گوینده عراق هم می گفت ما شاهرخ، جلاد حکومت ایران را کشتیم! اثری از پیکر شاهرخ نیافتیم او شهید شده بود، شهید گمنام. از خدا خواسته بود همه را پاک کند، همه گذشته اش را، می خواست چیزی از او نماند، نه اسم، نه شهرت، نه قبر و مزار و نه هیچ چیز دیگر.....

منبع: شاهرخ حر انقلاب اسلامی، گروه شهید ابراهیم هادی





پیرمردی گریه‌کنان و در حالی که دست در دست فرزندش داشت، به محضر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: «ای فرستاده خدا! این پسر مرا در کودکی غذا داده‌ام، و از هیچ محبتی دریغ نکردم و چنان که شایسته رفتار با کودکان است با او مهربانی کردم. پس از آن به او کمک کردم و او توان و نیرو گرفت و اموالش زیاد شد. اکنون که جوانی و دارایی خودم را از دست داده‌ام و کاملاً ضعیف و ناتوان شده‌ام، انتظار یاری فرزندم را دارم، تا غذای اندکی تهیه کرده، از گرسنگی نمیرم.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رو به جوان کرد و فرمود: «چه جوابی داری؟» جوان گفت: «ای پیامبر خدا! دارایی و اموال من به اندازه هزینه خود و خانواده‌ام است، و چیزی بیش از آن نیست تا به او کمک کنم.» رسول خدا رو به پدر جوان کرد و فرمود: «جواب تو چیست؟» پدر جوان گفت: «ای فرستاده خدا! او توانگر است؛ او دارای انبارهای گندم، جو، خرما و کشمش متعددی است و علاوه بر این‌ها پول زیادی هم دارد.» رسول خدا به پسر گفت: «شما چه جوابی داری؟» و وقتی که سخنان پدرش را رد کرد، رسول خدا فرمود: «ای جوان! از خدا بترس و به پدرت که برایت احسان و نیکی کرده، نیکی کن؛ چرا که خداوند، در عوض نیکی‌هایت به تو احسان می‌کند.»

باز هم جوان تأکید کرد که چیزی ندارد. رسول اکرم صلی

الله علیه و آله فرمود: «در این ماه ما به جای تو، به پدرت کمک می‌کنیم؛ اما از ماه‌های بعد، تو به او کمک کن.» سپس به اسامه دستور داد که به پیرمرد صد درهم بدهد. پس از یک ماه، پیرمرد و پسرش نزد رسول خدا آمدند. پس از آن که جوان باز هم از کمک به پدرش امتناع کرد، پیامبر فرمود: «تو دارایی زیادی داری؛ اما همه آنها نابود می‌شود و تو حتی از پدرت هم فقیر و تهی دست‌تر خواهی شد.» پس از مدتی، روزی جوان، دید که عده‌ای نزدیک انبارهای او جمع شده‌اند. با نگرانی به طرف انبارها رفت و فهمید که همه مواد غذایی او

(گندم، جو، خرما و کشمش انبارها) فاسد شده‌اند.

برای انتقال سریع مواد غذایی به جای دیگر باربرهایی را با دستمزد زیادی استخدام کرد. باربرها، انبارها را خالی کردند و به منطقه دوری از شهر بردند. پس از اتمام کار، وقتی که جوان خواست دستمزد آن‌ها را از درهم و دینارهایش بپردازد، ناگهان متوجه شد که همه سکه‌ها از بین رفته و به سنگ تبدیل شده‌اند. باربرها اصرار به گرفتن دستمزد خود کردند. او نیز ناچار شد وسایل زندگی و خانه خود را بفروشد و کرایه باربرها را بپردازد؛ به این ترتیب دیگر هیچ چیز از مال دنیا برای او باقی نماند و سرانجام وی چنان تهی دست و بدبخت شد که دیگر حتی قادر به تهیه غذای روزانه خود هم نبود. بیمار و لاغر بر تخت بیماری افتاد. رسول خدا (ص) با مشاهده وضع او فرمود:

ای عاق شدگان پدر و مادر!

عبرت بگیرید و بدانید که هم‌چنان که در دنیا اموال او نابود شد، در آخرت نیز درجات و مراتب بهشتی او تبدیل به درکات جهنمی خواهد شد.

منبع: پاک‌نیا، پدر، مادر شما را دوست دارم، ص ۱۶۴

عاق پدر

• فاطمه سلطانی

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را میرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید؛ اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آن‌ها سخنی شایسته بگوی و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا.

(اسراء/۲۳-۲۴)

کلبه

قسمت دوم: مقام پدر

• ناهید موحد

آیه ۱ معامله پر سود

يك نفر از بنی اسرائیل به طرز مشکوکی کشته می شود، در حالی که قاتل معلوم نیست. هر يك از افراد بنی اسرائیل، این قتل را به افراد قبیله دیگر نسبت می دهد و خودش را بی گناه می داند. برای پایان دادن به دعواها پیش حضرت موسی علیه السلام رفتند و از ایشان خواستند تا برای حل مشکل، کمکشان کند.

موسی (با دستور خداوند به قوم خود گفت: «باید گاوی را سر ببرید!»؛ ولی آن ها با لجاجت و سوالات بیجا در مورد رنگ و چگونگی آن گاو، کار خود را سخت کردند.

سرانجام گاو را با زحمت فراوان و قیمت بسیار زیادی خریدند و آن را سر بردند، سپس دستور داده شد که قسمتی از گاو را به مقتول بزنند تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند. این کار را کردند و مقتول زنده شد و قاتل خود را معرفی کرد.

صاحب این گاو، مرد نیکوکاری بود که به پدرش، خیلی احترام می گذاشت. او در یکی از روزها که پدرش در خواب بود،

معامله پرسودی برایش پیش آمد، ولی او به خاطر

اینکه پدرش ناراحت نشود، حاضر نشد وی را

بیدار سازد و کلید صندوق را از او بگیرد، در

نتیجه معامله انجام نشد. پدر پس از بیدار

شدن، از ماجرا آگاه می شود و همان گاو را

به پاداش این عمل به پسر خود می بخشد.

حضرت موسی علیه السلام در پایان فرمود:

«انظروا إلی البرِّ ما یبلغُ بأهله» «نیکی را بنگرید

که با نیکوکار چه می کند؟!».

روایات

روایت ۱:

رَسُولُ اللَّهِ (ص): دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ كَدُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ.
رسول اکرم (ص): دعای پدر برای فرزندش، همانند دعای پیغمبر برای امت خودش است.

روایت ۲:

رَسُولُ اللَّهِ (ص): ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيهِنَّ: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَ دَعْوَةُ الْمُسَافِرِ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ.
پیامبر اکرم (ص): سه دعا بدون شک، مستجاب است: دعای مظلوم، دعای مسافر، دعای پدر برای فرزندش.

روایت ۳:

رَسُولُ اللَّهِ (ص): رِضَا الرَّبِّ فِي رِضَا الْوَالِدِ وَ سَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدِ.
پیامبر اکرم (ص): رضایت پروردگار در رضایت پدر و خشم پروردگار نیز در خشم پدر است.

پند و حکایت

بوسه بر جای قدم پدر

نقل شده است: وقتی شبانگاهی حضرت اسماعیل به خانه بازگشت، همسرش خبر آمدن پیرمردی را داد و سفارش آن پیرمرد را به اطلاع وی رساند. همچنین گفت: این جای پایي که بر سنگ مانده، برای همان پیرمرد است؛ اینجا بود که اسماعیل فهمید آن پیرمرد، پدرش حضرت ابراهیم بود؛ پس افتاد و جای قدم پدر را بوسید.

دنیا و آخرت، در قم یا مشهد؟!

مرحوم پدرم در سنین پیری، به بیماری آب چشم که انسان نابینا می‌شود، دچار شد. بنده آن وقت در قم بودم. تدریجاً در نامه‌هایی که ایشان برای ما می‌نوشت، این روشن شد که ایشان چشمش درست نمی‌بیند.

در سال ۱۳۴۳ بود که من ناچار شدم ایشان را به تهران بیاورم. به چند دکتر که مراجعه کردم، ما را مأیوس کردند. گفتند: هر دو چشم ایشان قابل معالجه نیست. البته بعد از دو، سه سال، یک چشم ایشان معالجه شد و تا آخر عمر هم چشمشان می‌دید؛ اما در آن زمان باید دستشان را می‌گرفتم و راه می‌بردیم. اگر پدرم را رها می‌کردم و به قم می‌آمدم، ایشان مجبور بود گوشه‌ای در خانه بنشیند و قادر به هیچ کاری نبود و این برای من خیلی سخت بود. از طرف دیگر، تصمیم گرفته بودم تا آخر عمر در قم بمانم.

یک روز خیلی ناراحت بودم. البته تصمیم من بیشتر بر این بود که ایشان را به مشهد ببرم و در آنجا بگذارم و به قم برگردم؛ اما

(خاطره‌ای از مقام معظم رهبری مد ظله العالی - با تلخیص)

بصیرت عصا کشی

رزمنده‌ای مخلص می‌گفت: در رزمگاه بودم، خمپاره دشمن کنارم افتاد و منفجر شد، ترکش‌های آن به پیکرم، مخصوصاً صورتم پاشید و آن را پاره پاره کرد.

بی‌هوش شدم، پس از حدود هفت ساعت به هوش آمده و خود را در بیمارستان روی تخت دیدم، دکترهای متخصص پس از مدتی معالجه، در مورد جراحی پلاستیک صورتم، گفتند: باید به خارج از کشور برای معالجه اعزام شوم و ...

آنچه مایه تعجب دکترها شده بود، این بود که همه صورتم آسیب دیده بود جز دو چشمم که با آن همه ظرافت، هیچ‌گونه صدمه ندیده بود؛ آن‌ها علتش را نمی‌دانستند، ولی من خودم می‌دانستم و آن این بود: پدر کوری داشتم. حدود بیست سال عصاکش او بودم؛ گاهی برایم دعا می‌کرد و می‌گفت: پسرم امیدوارم کور نشوی.

. بر اساس آیات ۶۷-۷۳ سوره بقره و روایات.

. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۰۱.

. همان، ص ۳۰۳.

. همان، ص ۳۱۱؛ به نقل از: تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۱، ص ۱۹۳.

. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۸۸.

. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۶۳.

. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۱، ص ۸۴.

. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۱۷۲؛ نهج الفصاحة، ص ۵۰۲.

. همان، ج ۱۲، ص ۸۴-۸۵.

. کلید خوشبختی، ص ۱۰۵.

. ارزش پدر و مادر در قرآن و روایات، ص ۳۰۳؛ به نقل از: داستان‌ها و پندها، ج ۸، ص ۱۴۱.

ولایت فقیه در دو دقیقه

• طیبه بابائیان

در مطلب گذشته لزوم رجوع به ولی فقیه را بررسی کردیم، و به طور اجمالی دریافتیم که از آنجا که قانون و مجری قانون خوب، هر دو از ملزومات کمال اجتماعی و حتی فردی می باشد، بنابراین در غیبت امام معصوم علیه السلام اگرچه قانون خوب وجود دارد، اما قوه مجریه دور از دسترس است؛ پس به حکم عقل اصل تنزل را باید اجرا کرد و آن اینکه اگر ولی معصوم حضور ندارد باید به یک درجه پایین تر از آن رجوع کرد که همان ولی فقیه است.

ساده ترین و روشترین دلیل عقلی بر ولایت فقیه

اصل تنزل تدریجی

می توان با توجه به يك اصل عقلائی، ولایت فقیه را تبیین کرد و آن اینست که اگر امری برای عقلا مطلوب بود، ولی به دلایلی تحقق آن مشکل یا ناممکن گشت، به طور کلی دست از آن برنمی دارند، بلکه مرتبه نازل تر آن را انجام می دهند و به تعبیر دیگر از اهم دست می کشند و به مهم می پردازند. آنها در امور مهم نیز این درجه بندی را رعایت می کنند، اساساً

درجه بندی اهمیت امور به همین منظور است که اگر به دلیل شرایطی امر درجه اول ناممکن یا مشکل شد، امر درجه دوم را جایگزین و بدل آن قرار دهند. این اصل عقلایی را «تنزل تدریجی» می نامیم، که آن را اسلام نیز پذیرفته است. در فقه موارد فراوانی داریم که در آنها این اصل اجرا شده است. برای توضیح این مطلب به یک مثال اکتفا می کنیم. فرض کنید کسی قصد خواندن نماز را دارد. ایده آل آن است که نماز به حالت ایستاده خوانده شود، ولی اگر شخصی به علت بیماری قادر به خواندن نماز ایستاده نیست، آیا باید نماز را رها کند؟ همه فقها می گویند: هر مقدار از نماز را می تواند، ایستاده بخواند و هرگاه نتوانست نشسته بخواند، در مرتبه بعدی اگر شخصی نماز را نمی تواند ایستاده بخواند، دستور فقهی این است که نشسته بخواند و اگر نشسته هم نمی تواند، خوابیده بخواند.

فقیه عادل، نزدیکترین فرد به امام معصوم

بر اساس نظام عقیدتی اسلام، حاکمیت از آن خداست. از

طرفی خدای متعال در اداره امور اجتماعی انسان ها دخالت مستقیم نمی کند و حاکمیت را به انبیا و امامان معصوم واگذار کرده است. در موقعیتی که معصوم منصوب از سوی خدا، بر کارهای اجتماعی حاکمیت ندارد، چه باید کرد؟ آیا می توان گفت در چنین موقعیتی حکومت را رها کنیم؟! چنین سخنی مقبول نیست، زیرا در جای خودش ثابت شده است که اصل تنزل تدریجی حکومت در هر جامعه ای ضرورت دارد. در اینجاست که ولایت فقیه را با استناد به اصل ضروری می دانیم. فقیه جامع شرایط، بدیل امام معصوم علیه السلام است و در رتبه بعد از او قرار دارد. البته فاصله میان معصوم و فقیه عادل بسیار است ولی نزدیکترین و شبیه ترین افراد در امر حکومت ظاهری بر مردم، به اوست.

حاصل آنکه خدای متعال در مرتبه اول حاکمیت است، پس از او رسول خدا (ص) و سپس امامان معصوم علیهم السلام حاکم شرعی اند. آیا پس از این، مرتبه چهارمی در حاکمیت وجود دارد؟ باید گفت: در زمان غیبت امام معصوم، طبق دیدگاه شیعیان ولی فقیه مرتبه چهارم از حاکمیت را دارد، زیرا فقیه جامع شرایط به امام معصوم نزدیکتر است. چون حاکم اسلامی باید واجد صفاتی مانند: آگاهی به قوانین و مقررات

اسلامی، آگاهی به مصالح اجتماعی، و صلاحیت اخلاقی؛ که ضامن امانتداری و رعایت مصلحت عمومی است باشد. در معصوم تمامی این شرایط وجود دارد، زیرا معصوم به دلیل عصمتش مرتکب هیچ تخطی از قانون شر نمی شود و به سبب علم غیبی که دارد به قوانین شرعی و مصالح جامعه کاملاً آگاه است، فقیه جامع شرایط نیز باید همین شرایط را در رتبه نازل داشته باشد، تا حاکمیتش مشروع باشد. یعنی باید دارای ملکه فقاهاست و اجتهاد باشد تا احکام اسلام را بخصوص در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی بهتر از دیگران بشناسد. و نیز باید دارای ملکه تقوی و عدالت باشد تا مصالح جامعه را فدای مصالح شخصی و گروهی نکند و همچنین باید به مصالح سیاسی و اجتماعی و بین المللی آگاه باشد تا شیاطین نتوانند او را فریب دهند و از مسیر عدل و قسط منحرف کنند.

منبع: پرسشها و پاسخها، جلد دوم.

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

گناه حقیقی در فضای مجازی

• سمیه بابائیان



اول
کامل
مطمئن شده ای هیچ محرمی
نمی تواند کارت را راه بیندازد؟



رویت را معلم میبیرد...
که از ماسوی رو میبیرد...
من دانش با این کورت بقدر خدا تو را
سوا من کند... برای خودش...!
رویت را در دنیا ای بهترینت هم بگیر...
خودت میان خط به خط حرف شقن
وزدنت من فعین چوری...
فقط کوری ننگ تا روی از تو بگذرد
حضرت مادر سلام الله علیها...



جواب سلام واجب است
خود سلام که
واجب نیست...



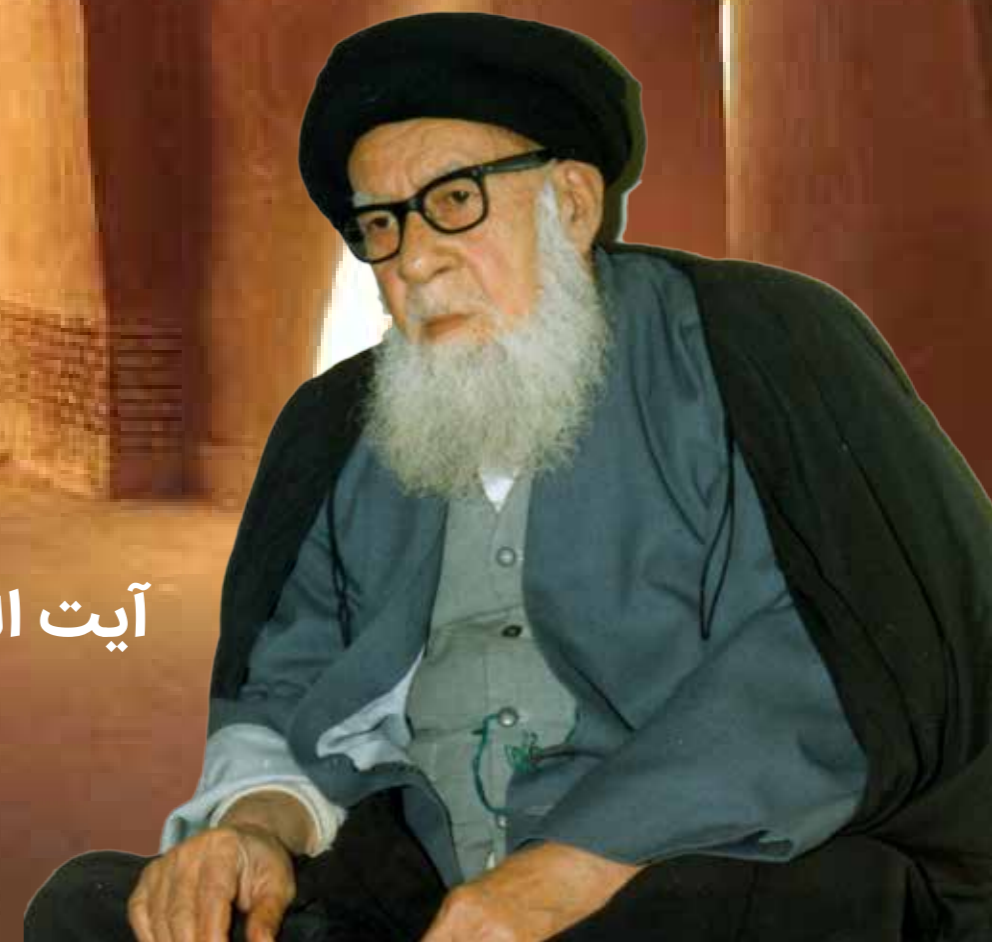
حواست هست!
برای اصلاح به این فضا آمده ای؟
قرار نبود غرق شوی!



با حجاب
هم می شود
خود نمایی کرد
فقط مشتری اش
فرق می کنند...

عُلما

آیت الله بهاء الدینی



از کرامات بزرگان، آیت الله بهاء الدینی

حسینیه‌ای در جوار منزل ایشان است و آقا در ایام محرم و صفر و مناسبت‌های مذهبی، در آن حسینیه سخنرانی می‌کنند. اخلاق ایشان بر این روال است که اگر کسی در حال سخنرانی باشد، سراپا به آن گوش می‌کند و از جای خود حرکت نمی‌نماید. تا آن که سخنان گوینده به پایان رسد؛ اما به طور استثنایی، ایشان یک بار وسط سخنرانی گوینده، از جای خود برخاست و بیرون رفت. این رفتار برای همگان سؤال ایجاد کرد. مجلس به پایان رسید. از آقا جویای موضوع شدند. زمان این اتفاق، زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود و دشمن شهر قم را بمباران می‌کرد. آیت الله بهاء الدینی فرمود:

من نشسته بودم. دیدم سی نفر از «رجال الغیب» در آن سوی اتاق با من کار دارند به آن جا رفتم و گفتم: چه کار دارید؟ آنان پس از عرض ادب گفتند: هر یک از ما سی نفر، قدرت یکصد هزار نفر را داریم. اگر شما بخواهید، از صبح تا غروب امروز، کار جنگ را به پایان می‌رسانیم. دستور شما چیست؟ به آنان گفتم: خداوند متعال چه اراده فرموده است؟ با کدام کار راضی است؟ پاسخ دادند: خداوند متعال می‌خواهد جنگ به طریق عادی به پایان رسد. به آنان گفتم: من به آن چه خداوند متعال راضی است، رضایت دارم.

این نکته برای حضرت آیت الله بهاء الدینی (قدس سره) نیز امتحان بزرگی است. وقتی جنگ با فرمان او در یک روز از صبح تا غروب به پایان می‌رسد، نباید طبق خواسته خویش دستور دهد. بلکه باید مطابق رضایت خداوند متعال تصمیم بگیرد. علامه مجلسی - قدس سره - درباره این روایت می‌نویسد: بهترین دلیل که چرا به بعضی انسانها اسرار داده نمی‌شود، این است که لیاقت و ظرفیت در آنان دیده نمی‌شود. ابوذر از مقدار بالاتر است و سلمان از ابوذر درجه و مقام بیشتری دارد. زیرا ایمان را به ده درجه تقسیم کردند. مقدار هشت درجه، ابوذر نه درجه و سلمان ده درجه را دارا بود. آن چه به ابوذر دادند، به مقدار ندادند و آن اسراری را که سلمان داشت، به ابوذر نشان ندادند. زیرا طاقت و ظرفیت انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارد.

پدر

او از ابتدای تأسیس حوزه علمیه قم به آسید صفی (و فرزند بافضیلتش به آسید رضای آسید صفی) شهرت داشت.

آسید رضا می‌فرمود:

«پدرم درسهای حوزوی را تا رسائل و مکاسب خوانده بود، درس حاج شیخ می‌رفت و به او شهریه هم می‌دادند و در ادبیات ید طولایی داشت. آشنایی او با قرآن و حفظ آن تا جایی بود که کشف الآیات علما و روحانیون بود؛ هر آیه‌ای را می‌پرسیدند، در ذهن خود حاضر داشت. روزی بیست جزء قرآن می‌خواند و در آیات قرآن تدبر می‌کرد.»

مادر

فاطمه سلطان، مادر ایشان از بیت مرحوم صدرالمآلهین (ملاصدرای شیرازی) است.

آقا می‌فرمود:

آن مکرمه، بانویی بزرگوار و باتقوی و دارای حالات بلند عرفانی بود. قبل از ولادت فرزندش، سید رضا، خداوند فرزندی به او عنایت می‌فرماید که در سن دو سالگی از دنیا می‌رود. مادر دلسوخته تنها به صبر در مصیبت از دست رفته فرزند دلبندها بسنده نمی‌کند، بلکه سجده شکر بجای آورده و آن رخداد را از الطاف حضرت حق می‌داند و در حال سجده از خداوند درخواست فرزندی می‌کند که از علمای بزرگ امامیه و اولیاء الله باشد.

با ولادت فرزندش سید رضا و آثار نبوغی که از دوران طفولیت در جبین او مشاهده می‌کند دعای خود را مستجاب می‌بیند، لذا در تربیت و پرورش و تعلیم او سرمایه‌گذاری بیشتر نموده تا ذاتیات بلند و نیکوی او به فعلیت برسد.

در کتاب آیت بصیرت آمده است:

صفا و صمیمیت، قناعت و ساده زیستی، عشق و علاقه به همسر و فرزندان و کیاست و صداقت، او را برای زنان فامیل و افراد محله الگو کرده بود. نورانیت روح و روان و صفای زندگانی، هدیه‌ای آسمانی بود که از برکت انس با قرآن و حفظ بسیاری از دعاهای معصومان (ع) برای آن بانوی پرهیزکار فراهم شده بود.

۱. انسان، (۷۶)، آیه ۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۹۳.

رسانه ؛ سلاح جنگ روانی

• محمدرضا دیلمقانی



پیشینه سیر پیدایش جنگ روانی

جنگ روانی از نظر تاریخی می توان به سه دوره تقسیم نمود:

۱- جنگ روانی در عصر باستان در جنگ ها با استفاده از صدای طبل ها و افراشتن پرچم ها و متأثر کردن اذهان نیروهای دشمن موجب شکست دشمن می شدند (هنر جنگ ، سون تزو ، ترجمه حسن حبیبی ، ص ۱۹۴)

قبل از شروع جنگ ها با رجز خوانی باعث تضعیف روحیه دشمن می شدند . (جولیوس سزار ، جان گوتر ، ترجمه خسرو همایون پور ، ص ۱۳۷-۱۴۲)

۲- جنگ روانی در عصر میانه در زمان پیامبر ، بزرگان قریش با تمسخر و استهزاء و ایجاد ترس و وحشت و شکنجه و آزار و ارباب مردم علیه پیامبر به جنگ روانی پرداختند .

در جنگ احد بزرگان قریش شایعه کردن پیامبر کشته شده است که باعث شد بیشتر مسلمانان پا به فرار بگذارند و حتی

به فرا خواندن پیامبر هم اعتنا نکنند .

(جنگ روانی در جنگ های صدر اسلام ، روزنامه اطلاعات ، دهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ ، ص ۱۲)

مثل جنگ های روانی معاویه علیه امام علی به حدی بود که بعد از شهادت امام مردم می پرسیدند مگر امام نماز هم می خواند که در محراب شهید شده است .

۳- جنگ روانی در عصر جدید در سال ۱۹۱۸ جنگ روانی انگلیس علیه آلمان و اتریش نقش به سزایی در پیروزی در جنگ جهانی اول داشت .

این جنگ به وسیله اعلامیه ها نوعی القای ترس در میان آلمانی ها می کرد . (جنگ روانی ص ۵۵-۵۴)

در سال ۱۹۴۷ سازمان سیا با عبارات تجاوز و تخلف ، آشوب ، بحران ، کمبود غذایی ، د ر روزنامه ها ایجاد هرج و مرج اجتماعی کرد که باعث تضعیف دولت ها و بی اعتبار کردن رهبران آن ها و اختلاف در بین مردم شد .

از مهم ترین شیوه های سازمان سیا برای ایجاد جنگ روانی تبلیغات است .

در سال ۱۰۶۸ آمریکا در جنگ ویتنام از جنگ روانی استفاده کرد او سیصد میلیون جزوه روی سر مردم ویتنام ریخت تا روحیه مردم را تضعیف کند . (سازمان مخوف سیا ، از کنترل افکار تا سرنگونی نظامها ، کیهان مورخه ۲۶/۲/۶۴ ص ۱۶)

عوامل موثر در جنگ روانی :

برای تاثیر گذاری جنگ روانی در یک جامعه شناخت کافی و صحیح از ارزش ها و ساختار فرهنگی جامعه و اجزا و عوامل تشکیل دهنده آن ضروری است ما به بررسی عوامل ذهنی و عینی جنگ روانی و نیز شرایط موثر در پذیرش پیام جنگ روانی می پردازیم .

عوامل ذهنی :

۱- شناخت ذهنی مخاطب باید ویژگی های فکری و روانی و اعتقادی فرد و افراد یک جامعه را شناخت . بدون شناخت کافی اعمال جنگ روانی بی تاثیر خواهد بود . ویژگی های روانی و ذهنی عبارتند :

الف : انگیزه های فردی :

امروزه استفاده از جملاتی مثل (برای راحتی شما) (برای رفاه شما) در تبلیغات بازرگانی بسیار موثر است .

ب : گرایش های روانی :

تمایلات و گرایش هایی که فرد بر اساس آن ، نسبت به مسائل گوناگون واکنش مثبت یا منفی نشان می دهند .

۲- شناخت محیط مخاطب

باید شناخت و اطلاعات کافی از محیط و فضای زندگی افراد جامعه داشته باشیم زیرا رفتار انسان ها از محیط زیست آنها متأثر است .

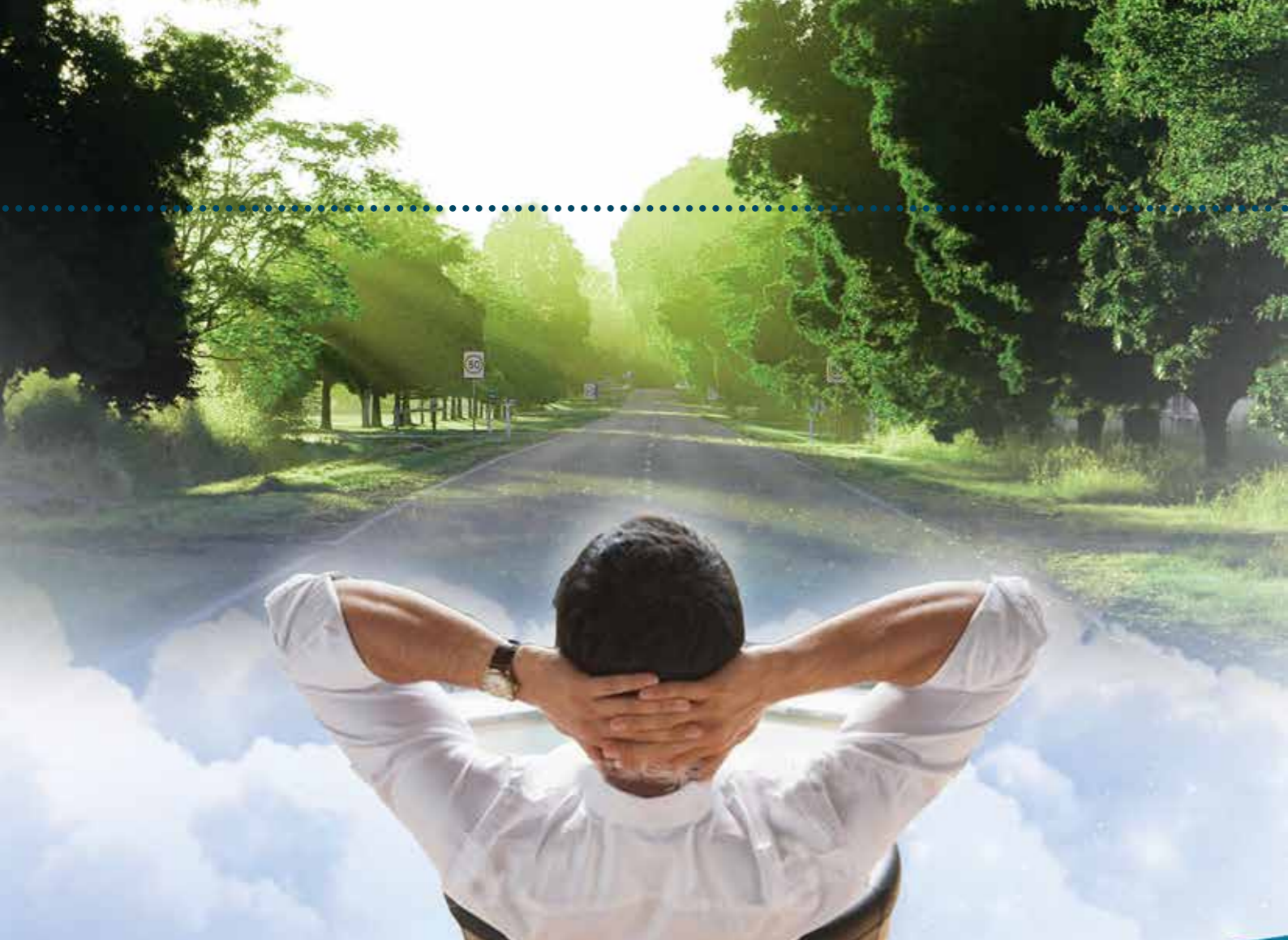
عوامل عینی و محیطی :

اختلافات قومی یکی از اهرم های فشار روانی کشورهای غربی علیه ایران بوده است و مراد از عوامل ، وجود قومیت ها ، طبقات ادیان و مذاهب مختلف است همانطور که در شمال غرب ایران کرد ها و در جنوب غرب ، عرب ها و در جنوب شرق اهل سنت و اختلافات قومی یکی از اهرم های فشار روانی کشورهای غربی علیه ایران بوده است ، که دیگران را علیه جمهوری اسلامی ایران تحریک می کنند .



کلیدهای خوشبختی

• سیده زهرا امامی



نگوید

زیرا او در مقابل شما جبهه

خواهد گرفت، او نمی‌خواهد دل مادرش را بشکند؛ چرا که مردی که مادرش را احترام کند همسرش را نیز احترام خواهد کرد.

۵- او را منزوی و از فامیل دور نکنید. رفت و آمد با فامیل، بودن در غم و شادی آنها وصله رحم از مرد یک آدم متشخص و با ابهت و زرنگ می‌سازد.

۶- محیط خانه را آرام و مرتب نگه دارید تا احساس کند شما هم مانند او به زندگی و نقش خودتان اهمیت می‌دهید.

۷- مسائل زندگی خود را از خانه بیرون نبرید؛ مردها به دخالت دیگران حساسند. با خود او درباره مسائل زندگی حرف بزنید.

شیرین و شیرین تر شود:

۱. همسران را از محبت سیراب کنید با عشق و علاقه به خواسته‌هایش جواب مثبت دهید نه با اکراه و اجبار

۲. هیچ‌گاه انگشت اشاره‌تان را به سویس نگیرید. مردها از متهم شدن بدشان می‌آید. وادار کردن شوهر به عذرخواهی بدترین کار است هرچند حق با شما باشد.

۳. احترام شما به شوهرتان، دیگران را نیز وادار به احترام به او می‌کند پس در میان جمع و پیش دیگران از شوهرتان تعریف کنید و او را سربلند کنید و بزرگ‌تر از آنچه هست، نشانش دهید او بیشترین لذت را از این لحظه‌ها می‌برد.

۴- به هیچ وجه از خانواده او به خصوص مادرش، بد

خیلی‌ها فکر می‌کنند که زن وقتی وارد زندگی مشترک می‌شود باید مهارت‌هایی چون آشپزی، خیاطی، بافندگی و هنرهای دستی داشته باشد یا به دنبال کسب آنها باشد تا بتواند نقش و وظیفه خود را در زندگی مشترک بهتر ایفا کند این خوب است اما دریغ از اینکه بدانند رسالت زن در زندگی مشترک بالاتر از این حرف‌هاست و مهارت مهمتری نیاز است تا بتوان به نحو احسن ایفای نقش کند و آرامش و کمالی که هدف غایی ازدواج است را تحقق ببخشد. و آن مهارت شوهرداری است، که هر زنی داشته باشد زندگی شیرین و پر از آرامشی را برای خود و خانواده‌اش رقم می‌زند. ما در سطور برخی از این مهارت‌ها را بیان می‌کنیم به امید اینکه با به کارگیری آنها زندگیتان هر لحظه

۸- هرگز

غرور و شخصیت او را خرد

نکنید، بگذارید اعتماد به نفس داشته باشد و فکر کند آدم مهمی است لااقل برای شما.

۹- با او هم فکری کنید ولی او را مجبور به تصمیمی نکنید بگذارید تصمیم‌های بزرگ را او بگیرد.

۱۰- از او نخواهید که محبتش را به زبان بگوید اگر این طور بود بدانید تملق‌گویی بیش نیست و می‌تواند در آن واحد این جملات را برای غیر شما نیز بگوید. مرد محبتش را در عمل نشان می‌دهد با کار شبانه‌روزی، یا حتی با خرید یک روسری برای شما.



گام های پژوهش

• معصومه پازوکی

گام اول

مقدمه

یکی از بخش های مهم مقاله، علمی برای ورود خواننده به دنیای درون مقاله و در حکم نقشه راه است. وظایف اصلی مقدمه، روشن ساختن موضوع، مشخص نمودن هدف و به دست دادن طرح و نقشه از ایه مطالب است. در مقدمه مقاله، مسئله تحقیق و ضرورت انجام آن و اهداف آن از نظر بنیادی و کاربردی به صورت مختصر بیان می شود و از ذکر جزئیات پرهیز می شود.

معمولاً داوران و ارزیابان برای شناخت قوت علمی مقاله، تنها به مقدمه و نتیجه آن نظر می کنند، بنابراین باید آن را دقیق و مناسب بنویسیم. هدف اصلی یک مقدمه حرفه ای، پاسخ به پرسش هایی چون: این تحقیق چه اهمیتی دارد؟ چه کسانی از آن بهره مند می شوند؟ چه نیازی به حل این

مسئله داریم؟ و چه انگیزه ای باعث شد تا این مقاله نوشته شود؟

در واقع یک مقدمه خوب شامل توضیح درباره پیشینه تحقیق، ضرورت ها، روش، ساختار، مباحث و منطق حاکم بر فصول است و اینکه چرا این تحقیق ادامه منطقی گزارش های پیشین است. مقدمه نباید مفصل و طولانی باشد بهتر است حداکثر دو صفحه یا یک ششم کل مقاله باشد.

سیر نگارش مقدمه هم از مطالب عام به خاص است. از جنبه های کلی شروع می شود و رفته رفته به بخش های تخصصی تر می پردازد.

متن اصلی و بدنه مقاله

قسمت اصلی مقاله است که در آن به سوالات تحقیق به طور تفصیلی پاسخ می دهد. پس تا زمانی که محقق مسأله خود را حل نکرده و یا به آن نزدیک نشده، نباید اقدام به نگارش کند. عبارات بدنه باید مستند به منابع معتبر و مستدل به برهان باشد و از آوردن عباراتی که در درستی آنها شك دارد، پرهیز نماید.

تعیین محورهای داخلی در بدنه مقاله، ارتباط و انسجام منطقی در بین قسمت های مختلف را تقویت می نماید. در تعیین عناوین داخلی مقاله می توان از سوالات فرعی کمک گرفت و هر کدام از عناوین داخلی می توانند پاسخ به یک سوال فرعی باشند. در صورت نیاز می توان عنوان های داخلی را به موضوعات عناوین جزئی تر تبدیل کرد و به سوالات ریزتر و ساده تر که پاسخ آنها، تنها به چند پاراگراف نیاز دارد، رسید. حجم مقاله نیز به نوع مجله و سفارش دهنده آن بستگی دارد؛ اما بهترین مقاله، نوشتاری است که با کمترین کلمات، بیشترین محتوای علمی را تولید و به حل مسأله بیانجامد. جمله های ساده، گویا و صحیح از ضروریات یک متن علمی است. اگر جملاتی از متن مقاله به لحاظ دستوری یا علمی استوار نباشد تأثیر ناخوشایندی به مخاطب و اعتماد او گذارده و کل مقاله را زیر سوال می برد. پس تنها مهارت در جمله سازی و عبارت پردازی برای تولید یک مقاله علمی کافی نیست بلکه باید چینی صحیح جملات و ترکیب درست آنها را آموخت و گام نخست در این میسر، نگارش پاراگراف های استاندارد است. پاراگراف، بخش کوتاهی از یک متن است که درباره یک موضوع جزئی سخن می گوید؛ هر پاراگراف با یک جمله اصلی شروع می شود و همان جمله

باید حاوی ایده ی اصلی پاراگراف باشد. در ادامه، جملات توضیحی خواهند آمد که هر کدام ادامه منطقی جمله قبل است. همچنین هر پاراگراف باید از استقلال نسبی برخوردار و مانند یک یادداشت کوچک باشد. شمار کلمات هر پاراگراف، زیر ۱۵۰ کلمه است. هر بند (پاراگراف) نباید طولانی باشد و به مطلبی مهم بپردازد. در ابتدای هر بند از حروف «واو» یا «که» که حروف ربطند و نشان می دهد، بند مستقلی نیست استفاده نمی شود.

افزون بر استدلال و تأملات محقق، لازم است هر مقاله ای با مجموعه ای از آثار مرتبط با موضوع خود، در ارتباط باشد از این رو سعی می شود با نقل و قول مستقیم یا غیر مستقیم (بازنویسی، تلخیص) این ترابط علمی برقرار شده و از منابع معتبر دست اول استفاده شود. البته ارجاعات محقق نباید به قدری زیاد باشد که تحلیل نگارنده را کم رنگ نماید. نکته نماند که اشاره به نظریات رقیب در حل مسأله، نقد مستند و مستدل آنها با بیان نظریه برگزیده و دفاع از آن، عمده ترین مباحث بدنه یک مقاله است. بنابراین باید از هرگونه بحث مفصل در تحلیل پیش فرض ها، مبانی و مباحث مقدماتی پرهیز شود و در صورت نیاز به یک مطلب فرعی، آن را در پاورقی ذکر کرد. توجه داشته باشیم که در ارزیابی مقالات، معمولاً به اعتبار علمی منابع و کفایت ادله و صحت نتایج آن معطوف می شوند.

استعجال

• فاطمه پرهیزگار

از آسیب‌های جدی که متوجه جامعه‌ی منتظر در فرهنگ مهدویت است، استعجال ظهور می‌باشد. استعجال از ریشه «ع ج ل» و به معنای عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت و تحقق زمینه‌های لازم برای آن است. انسان‌های عجول به دلیل ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود را از دست می‌دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده‌ها هستند. در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسأله انتظار امام غایب، انسان و جامعه‌ی منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می‌کند؛ ولی هرگز عجله نمی‌کند. هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی‌دهد؛ بلکه برخلاف شوق فراوان به ظهور، برابر اراده‌ی پروردگار و خواست او، کمال تسلیم را از خود نشان می‌دهد و برای تحقق همه‌ی زمینه‌های لازم برای ظهور می‌کوشد و بردباری می‌کند. عبدالرحمن بن کثیر گوید:

«خدمت امام صادق نشسته بودم که مهرم داخل شد و عرض کرد: قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم کی واقع می‌شود؟ امام فرمود: ای مهرم! دروغ گفتند وقتگذاران و هلاک شدند شتاب کنندگان و نجات یافتند تسلیم شدگان».

در مقابل، ممکن است عده‌ای درصدد استعجال برآمده و بی‌توجه به اراده‌ی الهی و مصالح بزرگ تاریخی و جهانی که ظهور موعود به آنها نظر دارد، خواستار ظهور آن حضرت باشند. نتیجه قطعی چنین رویکردی، بدون شک هلاکت و

اضمحلال است. در برخی روایات، از کسانی که استعجال می‌ورزند تحت عنوان محاضیر یعنی کسانی که هلاک می‌گردند نام برده شده و از آنها در مقابل مقربون و نجات یافتگان ذکری به میان آمده است.

عجله کنندگان

عجله نکردن و تسلیم بودن از تکالیف عصر غیبت است راوی به امام صادق (ع) عرضه داشت: مرا از این امری که منتظرش هستیم خبر ده که کی خواهد بود؟ حضرت فرمودند: «وقت گذاران دروغ می‌گویند و عجله‌کنندگان هلاک می‌گردند و تسلیم شدگان نجات می‌یابند».

آسیب‌های اعتقادی استعجال

آسیب در لغت به معنای ضرب، عیب، رنج، مصیبت، زیان، آفت و مانند آن است. آسیب‌های فکری - اعتقادی همان آسیب‌هایی می‌باشند که در ساحت ذهنیات، باورها و اعتقادات شخصی و عملکردهای فرد گرایانه یا عبادی خاص به او مطرح می‌شود. و غفلت و ناهوشیاری فرد منتظر، آن را رقم می‌زند. و یا با انحراف منتظر از محور موعود منتظر و امام حجت، شکل می‌پذیرد، اختصاص داد. این آسیب، گاه بیش از غیبت امام (علیه السلام) اهمیت می‌یابد، زیرا غفلت در دوران غیبت و بیش از آن بر شیعیان منتظر ضربه وارد می‌نماید. واقعیتی که جوهره‌ی آن، غایب بودن ما از عرصه حضور در عالم است نه غیبت امام (علیه السلام) و حضور در پرده او. اما در حوزه



مباحث علوم اجتماعی بویژه مهدویت این واژه به معنی بررسی وضعیت انتظار منجی، انحرافات موجود در این زمینه و یافتن راهکارهایی برای مقابله با آن می‌باشد.

پی‌نوشت:

۱. عجل: العجل: العجلة و ربما قيل [رجل] عجل و عجل، لغتان. و استعجلته، أي: حثته و أمرته أن يعجل في الأمر. كتاب العين، ج ۱، ص ۲۲۷، عجل: العجل و العجلة: السرعة خلاف البطء. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۲۵، الاستعجال و الإعجال و التّعجل واحد: بمعنى الاستحاث و طلب العجلة. استعجلته: طلبت عجلة. (مجمع البحرين، ج ۵، ص ۴۱۹).
۲. محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، بی‌چاپ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۰ ش، ج ۲، ص ۱۹۱.
۳. شتاب زدگان
۴. غیبت نعمانی، ص ۱۹۷.
۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.
۶. علی اکبر، دهخدا، فرهنگ فارسی، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه دهخدا، بی‌چاپ، ۱۳۲۶ هـ.ش.
۷. محمد، میرتبار، جامعه منتظر - چالش‌ها و آسیب‌ها، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰.

آشنایی با تفاسیر شیعی مجمع البيان فی تفسیر القرآن

• ناهید موحدی

- «مجمع البيان فی تفسیر القرآن»، به زبان عربی، نوشته مفسر کبیر، جناب ابو علی، فضل بن حسن طبرسی، از علمای بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است.
- وی، با ذهن خلاق خود، در کیفیت نگارش و تدوین مطالب «مجمع البيان»، از شیوه جدیدی در عصر و زمان خودش استفاده کرده است؛ تا آن زمان، کمتر تفسیری به چشم می‌خورد که با نظم و ترتیبی این چنین، تدوین یافته باشد.
- ساختار**
- این تفسیر در ده جلد تنظیم شده است. شیوه‌ی ترتیب و تشریح مطالب، این‌گونه می‌باشد:
۱. اشاره به مکی و مدنی بودن سوره و آیات و موارد اختلاف
 ۲. بیان تعداد آیات سوره و ذکر اقوال در این زمینه
 ۳. وجه تسمیه سوره‌ها و مناسبت آنها با محتوا
 ۴. ذکر فضایل تلاوت سوره و احادیث مربوط به آن
 ۵. بیان اختلاف قرائت، تحت عنوان «القرائة»
 ۶. بحث نحوی و ادبی در مورد آیات، تحت عنوان «الإعراب»
 ۷. ذکر معانی لغات مشکله آیات، تحت عنوان «اللغة»
 ۸. بیان علل و اسباب نزول آیات، تحت عنوان «النزول»
 ۹. تفسیر و تأویلات آیه
 ۱۰. بیان مناسبت و ارتباط آیه با آیات قبل و بعد، تحت عنوان «النظم»
 ۱۱. بیان قصص، تحت عنوان «القصة»
 ۱۲. طرح احکام مربوط به آیه

گزارش محتوا

ترتیب مطالب در این تفسیر، به‌گونه‌ای است که دست‌یابی به مطالب را برای هر خواننده‌ای آسان ساخته است.

مرحوم طبرسی، در تفسیر آیات، از عقل و نقل، هر دو بهره جسته است، ایشان، به صحت خبر و بررسی دقیق احوال راوی توجه زیاد دارد و معتقد است که تفسیر قرآن کریم جز به اخبار صحیح و نص صریح، جایز نیست. این مفسر گرانقدر، از تعصب‌های مذهبی به شدت پرهیز کرده و در تمام موارد، با برهان و استدلال قوی، از نظریات خود دفاع کرده و جانب انصاف و اعتدال را از دست نداده است.

در این تفسیر، نسبت به اسباب نزول، توجهی خاص شده و اکثراً اسباب نزول به‌گونه‌ای مستند ثبت شده است؛ یعنی نقل کنندگان سبب نزول مشخص است، در مواردی هم غیر مستند بیان می‌شود. از اسباب نزول به‌عنوان شاهد استفاده شده است؛ به این معنا که، در بحث تفسیری آیات، ابتدا مطلبی را که مورد نظر ایشان است بیان می‌کند و برای اثبات مدعای خویش از آیات و روایات دلیل می‌آورد و در مواردی اسباب نزول آیات را شاهد بر مدعای خویش بیان می‌کند، وی با اسباب نزول، به‌صورت گزارشی عمل کرده است. در اکثر موارد، تنها به نقل اقوال در این باره بسنده کرده، به‌گونه‌ای که از مجموع نقل اسباب نزول، تنها ۵۳ مورد آن، به‌صورت نقد و تحلیل است و ملاک ایشان در نقد و تحلیل، روایات، ضرورت فقهی، ظاهر آیه، سیاق آیه، عمومیت آیه و تاریخ

بوده و سبب نزولی که مورد تأیید و یا قبول ایشان نبوده، با این ملاک‌ها رد گردیده است.

مرحوم طبرسی معتقد است که سبب نزول، موجب محدودیت مفهوم آیات در همان موارد خاص نمی‌شود و آیات قرآن فراتر از شأن نزول آنهاست و عمومیت دارد، چه اینکه قرآن کریم، برای هدایت تمام انسان‌ها، در هر عصر و زمان می‌باشد.

روش:

ذکر گروهی از آیات
سپس ذکر قرائت و اختلاف قرائت‌ها و قضاوت بین آنها تحت عنوان «حجه»
سپس لغت و مشکلات لغوی و اعراب
سپس اسباب نزول
بعد معنای مبسوط آیه
و بعد ربط سوره‌ها تحت عنوان «نظم»

مجمع

گرایش ادبی-کلامی دارد و تفسیر نیز اجتهادی است



کاشت مژه

کاشت مژه

کاشت مژه یا اکستنشن، روشی است که از دیرباز و در میان ملل مختلف، به صورت های گوناگونی برای رفع مشکل کم مویی و زیباتر شدن، از آن استفاده می شده است. موی به کار رفته در این شیوه، یا از موی خود فرد است، یا موی فرد دیگر و گاه نیز از موی حیوانات استفاده می شود. ویژگی خاص تکنیک های آرایشی جدید این است که به سادگی از بین نمی روند، برای نمونه کاشت مژه حداقل تا ۶ ماه به تار موی انسان می چسبد و قابل شستشو نیست.

یکی از دغدغه های انسان عاقل آن است که راه و رسم زندگی و روش مواجهه با موضوعات مختلف را از کارشناسان امر سوال نماید و یا با تحقیق به روش مطلوب دست پیدا نماید.

هدف اصلی انسان رسیدن به سعادت است و راه سعادت مانند تمام راه های دیگر نیازمند راهنما است و بطور طبیعی راهنما باید از منبع اطلاعاتی کاملی برخوردار باشد. ما معتقدیم که خداوند حکیم انسان را خلق نمود و راه و رسم زندگی جاودان و سعادت مندانه را بوسیله فرستادگانش برای او

روشن ساخت. بشریت همیشه محتاج تعالیم حقه الهی بوده، تا بتواند به آرامش برسد و مسیر تکامل را طی نماید و امروز پیمودن این راه فقط در پرتو فقه شیعی ممکن است و آنان که از پرتو فقاقت دور شدند، در ظلمت دنیا اسیر شیطان و شیطان صفتان گشته، دنیا و آخرت خود را تباه شده دیدند. بنابراین انجام کارهایی مانند کاشت مژه احکام شرعی جدیدی را برای وضو گرفتن و غسل کردن ایجاد می کند که نیاز به استفتاء از مراجع عظام تقلید دارد.

نظر مراجع عظام:

مقام معظم رهبری دامت برکاته:

س. کاشت مژه به صورت یکدست (مژه مصنوعی) یا مژه های تک تک که بوسیله یک چسب قوی به انتهای مژه و تقریباً روی پلک می چسبد برای وضو و غسل چه حکمی دارد؟

ج. فی نفسه اشکال ندارد و اگر در آوردنش هنگام وضو و غسل برای او ممکن بوده و حرج و مشقت نداشته باشد، وضو و غسل با وجود چنین مانعی باطل است و اگر در آوردنش ممکن نباشد و یا همراه با حرج و مشقت باشد، ایجاد چنین مانعی که موجب تبدل وظیفه وضو و غسل به وضو و غسل جبیره ای می شود،

چنانچه

در غیر وقت نماز باشد،

مانع ندارد ولی در وقت نماز باید وضو

یا غسل را انجام دهد سپس مبادرت به ایجاد

مانع نماید، و چنانچه نتواند در وقت وضو یا غسل

آن مانع را برطرف کند و یا بر طرف کردن مانع حرج و

مشقت داشته باشد، باید به وظیفه غسل و وضوی جبره ای

عمل کند یعنی با دست مرطوب مانع را مسح نماید.

س. آیا زینت حساب می شود؟

ج. اگر به گونه ای باشد که عرفاً زینت و آرایش محسوب

شود، باید از نگاه نامحرم پوشانده شود.

آیت الله مکارم شیرازی:

س. خانمی برای زیبایی مژه می

کارد، برای وضو و غسل تکلیف چیست؟

ج. چنانچه مانع رسیدن آب به پوست نشود اشکالی

ندارد.

س. کاشت ناخن یا مژه مصنوعی برای غسل چه حکمی

دارد؟

ج. در صورتی که ضرورتی برای این کار نباشد آن را

ترک کنند، و چنانچه ضرورتی وجود داشته باشد و امکان

جداسازی آن، به هنگام غسل نباشد، بصورت عادی غسل

را انجام می دهد.

آیت الله سبحانی دامت برکاته:

س. خانمی که غسل واجب برعهده او است ولی

ناخن یا مژه مصنوعی کاشته چگونه غسل

انجام دهد و روزه بگیرد؟

ج. احتیاط

واجب این است غسل جبیره و تیمم

بدل از غسل انجام دهد و روزه اش صحیح

است. والله العالم

س. گرفتن اجرت برای کاشت ناخن و یا مژه که مانع

رسیدن آب در وضو و غسل است حلال است؟

ج. چنین کاری کمک به حرام است طبعاً حلال نخواهد بود

مگر این که احتمال دهد خانمی که اقدام به این کار می کند

در ایام عادت است و این کاشت هم موقت باشد البته این

در صورتی است که انجام دهنده آن زن و یا محرم باشد

. والله العالم.



اولین مدافع ولایت

زهره محمودی

سیره سیاسی حضرت

زهرا سلام الله علیها

افشاگری در دفاع از امامت

سقیفه فتنه‌ای بود که بعد از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بوجود آمد؛ در آن فتنه افرادی جمع شدند و غدیر را انکار کردند. حضرت زهرا علیها السلام در مقابل فتنه فتنه گران، تدبیر ماندگار و جانانه‌ای اندیشید.

آن حضرت می‌توانست گوشه خانه بنشیند و گریه کند، اما قیام کرد و ابعاد مبارزه با فتنه‌گران را برای ولایتمداران ترسیم نمود.

«محمود بن لبید» می‌گوید: من روزی به قبرستان بقیع رفتم و صدای گریه می‌آمد. دیدم خانمی با چهار بچه نشسته و دارد اشک می‌ریزد. جلو رفتم، متوجه شدم فاطمه علیها السلام است. عرض کردم، دختر رسول خدا! این گریه شما ما را آزار می‌دهد و برای ما سخت است چرا گریه می‌کنید؟

حضرت فرمود: پسر لبید! دو مصیبت دارد مرا از پدر می‌آورد، یکی فقدان پدرم رسول خداست. هر کسی که بمیرد، پس از چند وقتی مصیبتش کاهش می‌یابد، ولی از روزی که پدرم رسول خدا از دنیا رفت، روز به روز داغش برای من بیشتر می‌شود؛ «إِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قَلَّ دِكْرُهُ وَ دِكْرُ أَبِي مُدْمَاتِ وَاللَّهِ أَكْثَرُ»

دیگری، ظلم‌هایی است که به امیرمؤمنان می‌شود. محمود بن لبید می‌گوید: گفتم، دختر رسول خدا! چرا پدر بزرگوارت قضیه ولایت امیرالمؤمنین را تمام و محکم نکرد تا خیال مردم راحت شود؟ حضرت فرمود: «يَا بَنَ لَبِيدِ وَاَعْجَبَاهُ اُنْسِيْتُمْ

يَوْمَ غَدِيرِ حُمْ؟»؛ پسر لبید! تعجب می‌کنم، آیا غدیر را فراموش کرده‌ای؟ [بابای من مگر در غدیر تبیین نکرد، مگر از جریان سقیفه تا غدیر چند روز فاصله است (هفتاد هشتاد روز بیشتر نگذشته است) مگر پدرم برای کسی عذر گذاشت؟ محمود بن لبید (به تعبیر بنده) می‌گوید: زبان درازی کردم] و گفتم: ای دختر رسول خدا! درست است که پیغمبر فرمود، اما شاید مردم یادشان رفته باشد! چرا امیرالمؤمنین خودش بلند نمی‌شود و بیاید و از حق خویش دفاع کند و به مردم بگوید من امام هستم و این افراد غصب کرده‌اند؟ فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: پسر لبید! «مَثَلُ الْاِمَامِ مَثَلُ كَعْبَةٍ؛ امام مثل کعبه است. مردم می‌روند سراغ کعبه، کعبه که سراغ مردم نمی‌رود.

امام مشروعیتش با خداست، ولی مقبولیتش با مردم است. امام حسن علیه السلام امام بود، وقتی مردم یاریش نکردند، مجبور به صلح شد. موسی بن جعفر علیه السلام امام بود، اما وقتی مردم او را تنها گذاشتند، مگر چهارده سال گوشه زندان قرار نگرفت؟

امام شدن امیرالمؤمنین مشروعیتش با خداست، ولی مردم باید جمع شوند تا او بتواند حکومت کند. همین امام در جنگ صفین فرمود: آیا من مأموم شما شدم؟ شما دارید مرا می‌کشید! اینکه می‌گویید آقا صلح کن! ابوموسی اشعری را قبول کن! اینجا را بپذیر، اینجا را نپذیر! وای به شما! گویا من مأموم شده‌ام و شما امام!

این است که حضرت زهرا علیها السلام می‌آید و در بقیع گریه می‌کند. این یک گام حضرت زهرا برای افشاگری فتنه‌گران سقیفه بود.

آسیب شناسی و آفت زدایی

یکی از نقش‌های حضرت زهرا مرضیه علیها السلام در جامعه آسیب شناسی و آسیب‌زدایی بود. در خطبه‌ای که در مسجد و نیز در جمع زنان مهاجر و انصار خواند، فرمود: می‌دانید شما چرا امیرالمؤمنین علیه السلام را کنار گذاشتید، چون از شیطان پیروی کردید: «وَ اَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَزِهِ»؛ شیطان شما را صدا زد و شما جوابش را دادید. حضرت فرمود: در شما نفاق بود، این نفاق را که تا پیغمبر

زنده بود، مخفی کردید و اکنون آن را آشکار کردید.

حضرت در این خطبه با استناد به معارف قرآنی، آسیب روی گردانی امت از امام خویش را نفاق درونی معرفی می‌کند، که از عمل شیطان است و چاره و درمان آن؛ بازگشت به دامن اهل بیت علیهم السلام و اخلاص است.

منبع:

کشف النعمه، جلد ۲، ص ۴۸۵

بحارالانوار، جلد ۲۹، ص ۲۲۳

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِهِٖٓ وَسَلَّمَ
 يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اَذِيَّ الْكُفْرِ





چهل سالگی انقلاب

پرونده ویژه



فصل انقلاب

۱۹دی: قیام خونین مردم قم

• لعیبا سادات عیوضی

پس از قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲، نام قم بعنوان مرکز اصلی و هدایت کننده مبارزات علیه نظام ستم شاهی بر سر زبان ها افتاد و پس از چهارده سال قیام، ۱۹ دی ۵۶ که آن را «جرقه انقلاب» نیز نامیده اند بار دیگر موجب قیامی همگانی و مباره ای گسترده شد.



۲۶دی: فرار شاه

روز ۲۶دی ماه ۱۳۵۷ ساعت ۱۳:۰۸، محمدرضا پهلوی به همراه همسرش فرح دیبا، خاک ایران را به مقصد مصر ترک کرد که تا زمان فوتش در بین ۶کشور دنیا آواره و سرگردان بود. شاه در فرودگاه علت سفر خود به خارج را اینگونه توصیف کرد «مدتی است احساس خستگی می کنم و احتیاج به استراحت دارم. ضمناً گفته بودم پس از این که خیالم راحت شود و دولت مستقر گردد، به مسافرت خواهیم رفت.»



۱۲ بهمن: بازگشت امام خمینی (ره) به ایران

شامگاه یازده بهمن ۱۳۵۷، هواپیمای امام خمینی رحمه الله غرش کنان از فرودگاه شارل دوگل فرانسه به آسمان پرواز کرد. زمان ورود هواپیما به آسمان ایران، خبرنگاری از امام پرسید: «چه احساسی دارید؟» و امام پاسخ داد: «هیچ.» امام هیچ احساسی نداشت؛ چرا که او فقط بر مبنای تکلیف عمل می کرد. پیروزی و شکست برای او، هر دو زیبا بود. روز دوازدهم بهمن، پرشکوه ترین استقبال تاریخ جلوه گر شد. تقریباً در ساعت شش صبح، میلیون ها نفر در دو طرف خیابان های مسیر امام خمینی رحمه الله ایستاده بودند و پنجاه هزار نیروی انتظامی مردمی مشغول منظم کردن آنها بودند.



۲۲ بهمن: پیروزی انقلاب اسلامی

روز سرنوشت فرا رسید و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، نظام پوسیده ستمشاهی فرو ریخت و ریشه های فاسد دودمان سیاه پهلوی از این کشور اسلامی کنده شد. مبارزه پانزده ساله ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) به ثمر رسید و با سرنگونی نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پیروز گردید.



چهل سال اقتدار • محمدرضا ديلمقانی

انقلاب اسلامی را باید سرآغاز تحولات بزرگ و بنیادین در ایران، منطقه، جهان اسلام و جهان غیراسلام دانست. رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) از انقلاب اسلامی با عناوینی چون «معجزه قرن» و «انفجار نور» یاد کرده و همین کلمات برای توصیف عظمت و بزرگی انقلاب اسلامی کفایت می‌کند. دهه فجر و فرا رسیدن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، فرصت مغتنمی برای بازخوانی انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در حوزه‌های گوناگون می‌باشد. هرچه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی فاصله گرفته شود، اهمیت پرداختن به موضوع دستاوردهای انقلاب اسلامی و اهمیت تبیین دستاوردها و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی بیش‌تر می‌شود. یکی از اهداف راهبردی دشمنان در جنگ نرم علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه و به‌ویژه در نسل جوان نسبت به آینده از طریق سیاه‌نمایی، بزرگ کردن مشکلات، زیر سؤال بردن و یا کم‌ارزش جلوه دادن دستاوردهای انقلاب و ناکارآمد نشان دادن نظام دینی است. دشمنان تلاش می‌کنند تا از طریق قدرت رسانه‌ای خود، جلوی درک واقعیات انقلاب اسلامی و دستاوردهای ارزشمند جمهوری اسلامی از سوی جوانان ایرانی را گرفته و با نوعی واقعیت‌پنداری برای آنان، در پشتوانه‌های مردمی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی خلل وارد سازند. در چنین شرایطی، اهمیت تبیین دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی به‌عنوان یک وظیفه آشکار می‌گردد. در این نوشتار تلاش می‌شود با مروری به مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی به این وظیفه عمل گردد.

برخی دستاوردهای اقتصادی ۴ دهه انقلاب اسلامی

زیرساخت

- * ۶ برابر شدن راه‌های کشور
- * ۲ برابر شدن میزان راه‌آهن کشور
- * ۲۰ برابر شدن ظرفیت بنادر کشور
- * ۱۴ برابر شدن تولید برق کشور
- * افزایش دسترسی به آب تصفیه شده
- * توسعه صنعت گاز
- * ۳۵ برابر شدن تعداد مشترکین تلفن ثابت



تولید ملی

- * ۵۷ برابر شدن صادرات غیرنفتی
- * ۶/۵ برابر شدن تولید و مونتاژ خودرو
- * ۳۰ برابر شدن تولید محصولات پتروشیمی
- * ۱۵ برابر شدن تولید محصولات فولادی

شاخص فقر و دسترسی به خدمات اساسی

* براساس شاخص‌های اقتصادی، فقر در مقایسه با سال‌های آخر پیش از انقلاب به طرز قابل توجهی کاهش یافته است به طوری که میزان فقر (به معنای نسبت افراد کمتر از دو دلار در آمد در روز) تک رقمی بوده، که با توجه به استاندارد کشورهای در حال توسعه کاملاً پایین و یک هشتم در پیش از انقلاب است.

* طی سال‌های بعد از انقلاب شاخص دسترسی به خدمات اساسی و لوازم خانگی افزایش داشته است به طوری که با وجود گسترش شهرنشینی مالکیت مسکن و مساحت سرانه خانه‌ها افزایش یافته است و شکاف شهری - روستایی در دسترسی به خدمات اساسی کمتر شده است و شکاف نهایی میان مناطق روستایی و شهری کمتر شده است.



پیشرفت‌های صنعت نفت پس از انقلاب

* پس از انقلاب تا پایان سال ۱۳۸۸ تولیدات پنج فرآورده اصلی پالایشی، نسبت به قبل از انقلاب با رشدی بالغ بر ۱۳۵/۵ درصدی حدود ۲/۴ برابر شده است. در این مدت مجموع تولید پنج فرآورده اصلی (گاز مایع، بنزین، نفت سفید، نفت گاز و نفت کوره) از ۹۹/۷۴ میلیون لیتر در روز به بیش از ۲۳۵۰۷۳ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است.



* پس از سال ۱۳۸۸ و با توجه به طرح تحول اقتصادی و همچنین سرمایه‌گذاری‌های جدید در واحدهای پالایشگاهی کشور، آمارهای تولید مربوط به بنزین و چهار فرآورده اصلی دیگر به طور چشمگیری افزایش یافته است.

* افزایش مصرف بنزین و جابگو نبودن تولید داخلی سبب شد تحریم صادرات بنزین، به ابزاری برای تحمیل خواسته



های غرب به ایران تبدیل شود که البته با کنترل مصرف و اجرای طرح‌های توسعه‌ای پالایشگاه‌های کشور با شکست روبه رو شد و امروز شاهد صفر شدن واردات بنزین هستیم.

علم و فناوری

- * ۲۴ برابر شدن تعداد دانشجویان
- * ۱۳ برابر شدن تعداد دانشجویان به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر
- * ساخت هواپیما و بالگرد سبک و نیمه سنگین (شخصی و عمومی)
- * پرتاب ماهواره، ساخت کشتی و تولید انواع قایق که برای اولین بار در تاریخ کشور رخ داده است.



* رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته نانو و نانو تکنولوژی از ۱۵۷ام جهان به ۱۱۶ام ارتقاء یافته است.



* پژوهشگران ایرانی از نظر پژوهشی با ثبت ۸۵۱۳ مقاله علمی، در ردیف شانزدهم تولید علم و در زمره دانشمندان پژوهشگران ممتاز جهان قرار گرفته‌اند.

* بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی آیسسکو: جمهوری اسلامی ایران در میان ۵۷ کشور اسلامی از لحاظ علمی و

پژوهشی و ثبت اختراع در رتبه اول کشورهای اسلامی قرار دارد.
 * دستیابی به فن آوری و دانش کامل چرخه سوخت هسته‌ای و قرار گرفتن در ردیف پنج کشور برتر جهان
 * تغییر و تبدیل کشور به قطب منطقه‌ای توریسم سلامت و پذیرش و درمان بیماران خارجی در انواع بیماری‌ها
 * دستیابی به دانش کشت سلولهای بنیادین، قرار گرفتن در ردیف کشورهای برتر پیوند کلیه و درمان بیماری‌های چشمی



شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی

* ساخت مجموعه‌های تولیدی در روستاهای که به یک برنامه مستمر تبدیل شده است.
 * افزایش قابل توجه تولید فولاد از نیم میلیون تن قبل از انقلاب به ۳۸ میلیون تن در سال و کسب رتبه ۱۴ جهانی
 * افزایش تولید سیمان از ۶/۳ میلیون تن به حدود ۸۰ میلیون تن
 * افزایش تولیدات معدنی از ۲۰ میلیون تن به ۲۲۰ میلیون تن
 * افزایش و توسعه تولید و صادرات خودرو با انواع خودروهای سبک و سنگین
 * افزایش و توسعه انواع کارخانجات لوازم خانگی و صنعتی و ...



پیشرفت های صنعت نظامی و دفاعی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی گسترش روزافزون تحریم‌های مختلف از سوی دشمنان انقلاب اسلامی؛ متخصصان دلسوز و جوان این کشور را واداشت تا کمر همت در بی نیازی کشور از قدرتهای جهانی ببندند و در این راه دستاوردهای گوناگونی را در حوزه های مختلف از جمله صنعت دفاعی و نظامی کشور رقم بزنند. پیشرفت ایران در زمینه ساخت و تولید انواع سلاحها و تجهیزات نظامی بقدری شگفت انگیز بوده که موسسه «گلوبال فایر» در آماری که اخیراً منتشر کرد؛ اعلام کرد که ارتش ایران در رتبه ۲۳ جهان قرار گرفته است و این در حالی می‌باشد که این آمار پیشرفت ایران را در زمینه نظامی ثابت می‌کند. نمونه های زیر تنها بخشی کوچک از پیشرفت های خیره کننده ایران در صنعت نظامی و دفاعی کشور پس از انقلاب اسلامی است و این پیشرفت ها در حالی بدست آمده که تا پیش از انقلاب اسلامی نیروهای مسلح ایران در بعد تجهیزات و آموزش کاملاً وابسته به غرب بودند.



* ساخت انواع سلاح ها و تجهیزات نظامی از جمله: ساخت انواع هواپیما و جت های جنگنده مافوق صوت رادارگریزو ...
 * خودکفایی در تولید و ساخت انواع هواپیماهای بدون سرنشین مدرن
 * ساخت انواع بالگرد و تعمیر انواع هواپیما و بالگرد با کسب رتبه پنجم جهانی
 * پیشرفت ایران در زمینه ساخت و تولید انواع موشکهای بالستیک، دور برد زمین به زمین، زمین به هوا و انواع موشک های دریایی
 * ساخت انواع رادار با بُرد بیش از یک هزار کیلومتر و پرتاب چندین ماهواره با سرنشین و بدون سرنشین به فضا
 * ساخت زیر دریایی، ساخت و تعمیر انواع ناو و ناوچه ساخت هاور گرافت (قایقهای دوزیست) ساخت انواع قایقهای تندرو

و قایق پرنده

این موارد از دستاوردهای صنایع نظامی محسوب می شوند که قبل از انقلاب اسلامی، تولید آنها در کشور سابقه نداشته و مهمتر اینکه بخش قابل توجهی از آنها، صرفاً در انحصار تعداد معدودی از کشورها پیشرفته جهان قرار داشته است.

پیشرفت های بخش کشاورزی

بررسی ها نشان می دهد رژیم پهلوی در دهه ۴۰ شمسی (دهه ۶۰ میلادی) با استراتژی نادرست خود که تحت عنوان اصلاحات ارضی از آن یاد می شد، باعث بیمار شدن اقتصاد ایران شده بود که نشانه‌های این بیماری را در عرصه‌های مختلف اقتصاد می توانستیم به وضوح مشاهده کنیم.

رژیم شاه در برنامه های عمرانی خود بر صنایع وابسته به ویژه صنایع مربوط به کالاهای مصرفی اتکا داشت که نتیجه آن عدم توازن بین بخش کشاورزی و بخش های دیگر اقتصادی شد؛ به گونه ای که در بخش کشاورزی، تولید محصولات کشاورزی از ۱/۲۹ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۳۹ به ۱/۰۹ درصد در سال ۱۳۵۶ یک سال قبل از فروپاشی حکومت پهلوی تنزل یافت.
 رفته رفته با اجرای استراتژی های نادرست رژیم پهلوی، بخش کشاورزی فراموش شد و بیشترین سرمایه گذاری و امکانات کشور در بخش صنعت و صنایع متکی به واردات صورت گرفت که همین امر باعث فاصله گرفتن امکانات شهری و روستایی بود که

پیامد آن مهاجرت روز افزون روستائیان به شهرها شد. برخی دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه کشاورزی عبارتند از؛
 * امروزه بالغ بر ۹۰ درصد از نیاز کشور به محصولات کشاورزی و استراتژیک نظیر گندم، برنج و جو، در داخل تامین می شود و در مرز خودکفایی قرار داریم.
 * تولید برنج دومین محصول استراتژیک و پرمصرف کشور (پس از گندم) رشدی بالغ بر ۶۰ تا ۷۰ درصد نسبت به قبل از انقلاب اسلامی داشته است.

* در حال حاضر مرکبات، انار، کیوی، انبه، خرمالو، محصولاتی همانند پسته، زعفران، کشمش و میوه هایی همچون هلو، شلیل، زردآلو و سیب و انواع سبزیجات از ایران به کشورهای مختلف صادر می شود.

* ایران نخستین تولیدکننده محصولاتی نظیر پسته، زعفران

و انار در جهان است.

* در زمینه جنگل و مرتع، سطح جنگل کاری و احیای جنگلها نسبت به قبل از انقلاب اسلامی ۲ برابر شده است.

بسترسازی برای جهش در پیشرفت بسترسازی و سرمایه‌گذاری‌های عظیم که در حوزه‌های مختلف طی نزدیک ۴ دهه گذشته صورت پذیرفته از جمله:



* زیرساخت‌های اقتصادی در حوزه‌هایی چون تأمین انرژی، حمل و نقل، ارتباطات، بهداشت و درمان، آموزش
 * تربیت نیروی انسانی متخصص کارآمد، متعهد و عمدتاً جوان و دارای عزم پیشرفت
 * شکل‌گیری مراکز آموزش عالی، تحقیقاتی، پارک‌های علم و فناوری، شرکت‌های دانش بنیان
 * تجربیات موفق در حوزه‌های مختلف علمی و فناوری چون هسته‌ای، نانو، بیوتکنولوژی، موشکی، سلول‌های بنیادین و ...
 * حضور مقتدرانه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تبدیل ایران به قطب تأمین ثبات و امنیت در منطقه

عزت و اقتدار مصور

تورق





آب، آیت خالق است... آیتی که ویژگی صالح و مصلح را دارد... در صفا، برکت و لطیف بودن آب تامل کن...

بعضی از آدم ها، مانند آب لطیف هستند و علاوه بر طاهره بودن خود، طهور هم هستند.

در عالم بچگی، در مکتبی تربیت یافت که بغض به دشمنان اسلام را آموخت؛

از متفقین که در کوچه و بازار شهر همدان بودند، شکلات، بیسکویت می گرفت... مادر به گلایه به پدر می گوید و پدر، دخترک را صدا می زند و می گوید: آنها دشمنان خدا، دشمنان اسلام و دشمنان ما هستند. ما نباید از آنها چیزی بگیریم و خود را خفیف و کوچک کنیم. آنها می خواهند با این کارها شما را گول بزنند و با نشان دادن ظاهری انسان دوست، مقاصد خود را دنبال کنند... مثل آنها مثل معاویه است که بزغاله‌هایی در خانه محبان علی علیه السلام می فرستاد؛ وقتی بچه‌ها با این حیوان انس می گرفتند، بزغاله‌ها را باز می ستاند و به گونه‌ای تفهیم می کرد که علی علیه السلام شبانه بزغاله‌ها را برده...

عبودیت راهی است برای داشتن دنیا و آخرت

بعد از مدتی با وجود هشت فرزند و وظایف خانه‌داری و... همسرش مایل به ادامه فعالیت‌هایش نبود؛ او هم راضی و

مطیع بود؛ گوشی که زنگ زد

و صدای آقای سعیدی را پشت

گوشی شنیدم، این دلتنگی بیشتر شد. گفتند «پس کجایی خانم؟!»

چرا سه روز است سر کلاس نمی‌آیید؟» گفتم حاج آقا شوهرم مخالف هستند. گفتند «بگوئید

بیبند سعیدی با او کار دارد».

همسرم نگاهی به من کرد و نگاهی به گوشی که آقای

سعیدی پشت خط بود. آقای سعیدی احوال او و بچه‌ها را

پرسیدند و گفتند واقعیتش حسن آقا یک نفر می‌خواهد تجارت

پرسودی راه بیندازد و به شما نیاز

دارد. چشم‌های همسرم گرد شد و متعجبانه گفت حاج آقا از شما که پنهان نیست من سرمایه‌ای ندارم که شراکت کنم. حاج آقا لبخندی زدند و گفتند سرمایه نمی‌خواهد رضایت شما کافی است. به جایش در سودش شریک هستید. همسرم گمان کرد حاج آقا دارند شوخی می‌کنند، برای همین گفت این چه تاجر دیوانه‌ای است که می‌خواهد بدون سرمایه‌ام با من شراکت کند و سودش را با من سهیم بشود؟ حاج آقا نگاه پرمعنایی کردند و گفتند همسر شما قدم در راهی گذاشته است که پرخطر است، اما برای رضای خداست و سود آن چندین برابر است. می‌خواهید در این تجارت شریک بشوید؟ لحظه‌ای سکوت حکمفرما شد. بعد حسن آقا با خنده گفت چشم حاج آقا! این مرضیه خانم هم مال شما! و رو به من کرد و گفت از فردا می‌توانید سر کلاس درس حاضر شوید، من با شما دیگر کار ندارم. دیگر هیچ‌وقت ممانعتی برای انجام فعالیت‌هایم نکرد. برای همین بود نام ایشان را بر روی خودم گذاشتم و شراکت جدیدمان از همان روز آغاز شد.

در ادامه مبارزاتش با دستور شهید منتظری برای پخش اعلامیه‌ها، ایراد سخنرانی، شناسایی افراد مومن و انقلابی به او سپرده شد.

اردوی خانوادگی با نیروهای مومن و انقلابی راه‌اندازی کردند و در آن نشست‌های گوناگون داشتند.

در سال ۵۱ برای افزایش پایگاه‌ها و خانه‌های امن، تصمیم گرفته شد که دختران و پسران انقلابی به هم معرفی و ازدواج کنند که به این ترتیب پایگاه‌ها افزایش یابد، در این راستا دوتن از دخترانش ازدواج کردند.

بی تفاوتی در قاموس مومن نمی‌گنجد

برای مدتی به زندان قصر منتقلش کردند، در سلول چپی‌ها زندانی شد تا به گمان خودشان، اعتقاداتش سست شود اما زهی خیال باطل؛ ایشان به گفت و گو با خواهران چپی می‌پرداخت؛ به گونه‌ای که یکی از این بانوان از اعتقاد خود دست برداشت.

امداد غیبی برایش رسید و تشخیص پزشکان زندان، سرطان بود و بعد از



مرضیه حدیدچی دباغ

کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک

آزادی جهت معالجه، از بیمارستان با کمک نیروهای انقلابی فرار کرد و به انگلستان هجرت کرد...

جایی که پناهگاهی جز خدا نداشت و در آنجا به علت مضیقه مالی روزها روزه دار بود و باز ایمان او بود و تاسی به آیه

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأَنتُمْ عَلَيْهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»

و بعد از مدتی به سوریه رفت و در آنجا به کارهای چریکی و کمک به نیروهای حزب‌الله پرداخت.

و در ادامه فعالیت، محافظ بیت امام در فرانسه شد.

رسیدن به حکومت دینی

انقلاب پیروز شد و او زنی استوار و انقلابی به فعالیت‌هایش برای پاسداشت انقلاب ادامه داد و در این راستا رئیس زندان زنان تهران بود؛ فرماندهی سپاه همدان و مسئولیت بسیج خواهران قرارگرفت، و سه دوره نماینده مردم تهران و همدان در مجلس شورای اسلامی بود.

مام ایران

از سوی امام(ره) برای ابلاغ نامه به گورباچف انتخاب شد. در زندان کچوئی در حال سرکشی به بندها بود که خبر دادند امام ماموریتی به او سپرده و باید همراه آیت‌الله جوادی آملی و محمدجواد لاریجانی به شوروی سفر کند.

سیداحمد خمینی در پاسخ به پرسش‌هایش درباره علت این انتخاب، به او گفته بود: «کارهایی را که برای امام انجام داده‌اید برای ایشان روشن است و این قدر که شما نزد امام شناخته شده هستید، خانم‌های دیگر شناخته شده نیستند.

شما می‌دانید امام چقدر در تصمیماتشان دقت دارند. شما امتحانات را پس داده‌اید. زیر انواع شکنجه‌ها بوده‌اید و اطلاعاتی بیرون نداده‌اید. با بدن زخمی و بیمار این جرأت را داشتید که با پاسپورت جعلی از کشور خارج شوید و شش ماه در سخت‌ترین شرایط به تنهایی زندگی کنید. به فنون نظامی هم آشنایی کامل دارید. امام می‌دانند در مواقع بحرانی دچار ترس و رعب نمی‌شوید و بهترین تصمیم را می‌گیرید. این سفر هم ممکن است پر از مخاطره باشد. امام می‌دانند چه کسانی را انتخاب کرده‌اند.»

هیأت ایرانی ۱۳ دی‌ماه ۶۷ عازم شوروی شد و پیام امام را به گورباچف ابلاغ کرد.

هیچ گاه از راهش خسته نشد و با صلابت ادامه داد؛ در دانشگاه علم و صنعت ایران و مدرسه عالی شهید مطهری به تدریس پرداخته است و قائم مقام جمعیت زنان جمهوری اسلامی است.

مرضیه حدیدچی به سال ۱۳۱۸ در همدان متولد شد و در سال ۱۳۹۵ دار فانی را وداع گفت... زنی که همواره آماده شهادت بود و درست است که روی تخت بیمارستان جان داد اما روایت داریم که چه بسا شخصی در رختخواب بمیرد اما شهید شده باشد.

از همه‌ی اینها بگذریم، چقدر شیرین است که ولی امر مسلمین بعد از مرگ، او را شجاع و فداکار بخواند و اخلاصش را جلوه دهد...

چقدر خوب است که بعضی‌ها مانند آب طاهره هستند و طهور...

علل پیدایش مزاج ها

• فاطمه سلطانی

در روایت آمده است:

«زمانی که خداوند حضرت آدم را خلق کرد، به بادهای چهارگانه (شمال، جنوب، صبا و دبور) دستور داد تا برآمد بوزند، به امر خدا بادهای بر آن حضرت وزیدند و بدن او از هر بادی طبیعتی برداشت^۱.»

در این صورت دلیل به وجود آمدن این چهار طبع، وزیدن بادهای چهارگانه بر بدن انسان است.

در روایت آمده است:

«بادهای چهار نوع هستند: شمال، جنوب، صبا و دبور. باد شمال از ناحیه قبله است، باد جنوب از سمت چپ قبله، باد صبا از ناحیه مشرق و باد دبور از ناحیه مغرب است^۲.»

پیدایش هریک از این چهار طبع (مزاج) به علت وزش یک نوع باد است. ریح بر اثر وزش باد شمال که سرد و خشک است به وجود

آمده و به همین دلیل ریح نیز سرد و خشک است. بلغم حاصل باد صبا است که سرد و مرطوب هست و علت این که بلغم نیز سرد و مرطوب هست همین عامل است. مزه نتیجه باد دبور است که گرم و خشک هست و به همین دلیل نیز مزه گرم و خشک است. دم (خون) نیز در اثر باد جنوب به وجود آمده که گرم و مرطوب است. به همین خاطر دلیل به وجود آمدن مزاج های چهارگانه وزش این بادهای است. همچنین در اثر جولان این بادهای اعضای بدن انسان به صورت های متفاوت نیز درآمده است.

برای مثال چشم با دیگر اعضای بدن تفاوت دارد یا گوش، بینی و دیگر اعضای بدن با یکدیگر فرق دارند. هنگامی که باد جنوب می وزد باعث آب شدن برف ها می شود، پس محل سکونت یبوست سودا است. همچنین محل سکونت رطوبت



کم شد و از حد معمول خارج گردید، بدن به تدریج ضعیف، و توانایی اش تمام می شود و منجر به بیماری می گردد. در این صورت به واسطه ضعف و ناتوانی نمی تواند با دیگر طبیعت ها مقارنت نماید و این امر نیز گاهی موجب نابودی می گردد^۴.

این چهار طبع ملاکی برای تعیین تعادل بدن است و توان انسان بر آن ها استوار است.

اگر میان چهار طبع تعادل و تساوی برقرار باشد بهترین حالت برای بدن است و در واقع آن شخص در سلامت و اعتدال به سر می برد و سالم است. مقدار هریک از مزاج ها در بدن یک چهارم است و اگر این گونه باشد سلامتی شخص کامل است. اگر یکی از این چهار طبع کم و زیاد شود مابقی را مقهور خودش می کند و به همان اندازه بیماری به بدن راه پیدا می کند. نوع بیماری و شدت آن به ناهماهنگی هر مزاج وابسته است.

بدن در صفرا، حرارت در دم (خون) و سردی در بلغم است.

در روایت آمده است:

«این چنین بود که آدم را از خاک و آب آفریدم، پس محل خشکی و یبوست را در مزه سودا، رطوبت را در صفرا، حرارت را در خون و سردی را در بلغم قرار دادیم^۳.»

در ادامه این روایت آمده است:

«پس از خلقت اولیه چهار طبیعت را در بدنش مقرر داشتم که ملاک و قوام جسم به آن وابسته است و جسم قوامی ندارد مگر به اذن من و بدن توانایی و استقامتی ندارد مگر با آن چهار طبیعت و هریک از این ها به دیگری مربوط و محتاج است و بدون وجود همدیگر نمی توانند کار کنند (و به وظایف خود عمل نمایند) پس هر جسمی که معتدل باشد این طبیعت ها در او کم و زیاد نیست و در نتیجه در کمال صحت و سلامت خواهد بود، ولی اگر یکی از این طبیعت ها از حد اعتدال خارج شود و بر بقیه زیادتى کند، به همان اندازه که زیادت کرده بیماری به بدن راه خواهد یافت و چه بسا سبب مرگ انسان شود. همچنین اگر یکی از این طبیعت ها

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۴.
 ۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۵۶، همراه با تلخیص.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۱۰.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۱۰.





طرز پخت دیزی در قابلمه‌ی مسی

پوست گرفته شده
در ظرف مناسبی
ریخته و سپس ۶
برابر حجم آنها آب
اضافه کنید.

تعداد نفرات

۴ نفر

مواد لازم:

نخود لوبیای سفید مخصوص آبگوشت	۱ لیوان
گوشت گوسفندی با استخوان و چربی	۵۰۰ گرم
گوجه فرنگی	۳ عدد
پیاز	۲ عدد
رب گوجه فرنگی	۱ قاشق غذا خوری
لفل سبز	۳ عدد
نمک و فلفل و آب لیمو	به مقدار لازم

طرز تهیه:

نخود و لوبیا را از شب قبل در آب خیس کنید، گوشت را به همراه نخود و لوبیا و یک عدد پیازها و گوجه فرنگی های

و درخشان هستند که نشان دهنده ی خلوص مس به کار رفته در آن ها می باشد. در مقابل؛ ظروف مسی تقلبی که معمولاً از آلیاژ مس و برنج به نسبت یک به دو ساخته شده اند دارای بدنه‌ای به رنگ زرد و مات هستند.

مزایای قابلمه ی مسی

قابلمه‌ی مسی، حرارت را یکسان در تمام قسمت های غذا پخش می‌کند که این خود سبب پخت بهتر غذا می‌شود و در نتیجه عطر و طعم غذا بهتر می‌شود.

از دیگر مزایای این ظروف نسبت به ظروف رایج دیگر این است که؛ غذا در ظروف مسی سریع‌تر می‌پزد. حتماً تا به حال شنیده‌اید که سرخ کردن غذاها در ظروف مسی باعث تردتر شدن آنها می‌شود و خورش‌های ایرانی هم در این ظروف بهتر جا می‌افتند. راز این همه خوشمزگی به خاطر رسانایی بسیار زیاد ظروف مسی است.

شیوه استفاده

نکته ی مهمی که در رابطه با قابلمه های مسی باید گفت این است که تمام خواص و مزایایی که از این قابلمه دوست داشتنی گفته شد به شرط این است که؛ داخل قابلمه قلع اندود شده باشد، در غیر این صورت نه تنها آنچه گفته شد را دارا نمی‌باشد بلکه باعث بیماری‌هایی از جمله سرطان هم می‌شود.

برای عمر بیشتر قلع داخل مس و اینکه دیرتر داخلش سیاه شود سعی کنید بعد از پخت غذا، غذا را از قابلمه ی مسی خارج و در ظرف دیگری نگهداری کنید به زبان ساده تر از قابلمه ی مسی برای نگه داشتن غذا استفاده نکنید، بلکه تنها برای پخت از این ظروف استفاده کنید، چرا که ترشی و نمک موجود در غذا باعث سیاه شدن آن می‌شود.

ظرف غذا یکی از مهمترین وسایلی است که در خانه برای خوردن و نوشیدن به آن نیازمندیم اما چه باور کنید و چه باور نکنید ظروف مسی دارای فوایدی برای سلامتی بدن است. مس ماده ای است که درون بدن تولید نمی‌شود بنابراین باید از طریق منابع خارجی وارد بدن گردد و همچنین لازم است بدانید کمبود یون مس باعث می‌شود دائم احساس رخوت و خواب‌الودگی و کسالت داشته باشید. برخی تحقیقات علمی نشان می‌دهد که داشتن مقدار کمی مس در بدن می‌تواند تاثیر مثبتی بر سلامت کلی بدن داشته باشد. مهم ترین فواید این ظروف به شرح زیر است:

افزایش سلامت پوست: مس ماده ی ضروری بدن است که باعث به وجود آمدن گلبول‌های قرمز می‌شود. نوشیدن آب در ظروف مسی باعث تقویت پوست، مو و مفاصل می‌گردد، علاوه بر درمان پوست‌های آسیب دیده و خشک، باعث تولید سلول‌های سالم پوست نیز می‌شود.

تقویت مو: این فلز باعث تولید ملانین در بدن می‌شود که می‌تواند سلامت مو را بازگرداند و باعث رشد مو شود.

بهبود سلامت قلبی عروقی: مقدار کمی مس می‌تواند انسداد شریان‌ها را از بین برده و همچنین باعث جلوگیری از ایجاد پلاک‌هایی شود که باعث انسداد رگ‌های خونی می‌شوند.

رشد مناسب بدن: استفاده مؤثر و کارآمد از آهن این ماده، برای جلوگیری از پیری زودرس و تولید انرژی بسیار مهم است. علاوه بر این، ریتم قلبی منظم، غده ی تیروئید تنظیم شده، درمان سریع زخم و کاهش کلسترول از دیگر مزایای مس برای سلامتی است.

راه‌هایی برای شناسایی ظروف مسی

اولین گام توجه به ویژگی‌های ظاهری اینگونه محصولات است. معمولاً ظروف مسی اصل، دارای بدنه‌ای به رنگ سرخ



بعد از حدود یک ساعت و نیم فلفل سبزه را به دیزی اضافه کنید و در تمام مراحل پخت دقت کنید که شعله زیر ظرف مسی ملایم باشد.

یک ساعت بعد از اضافه کردن فلفل سیب زمینی‌ها را به دیزی اضافه کنید و سپس چربی گوشت و پیاز پخته شده را از ظرف خارج کرده و خوب بکوبید و داخل قابلمه بریزید. وقتی که گوشت، نخود و لوبیا نرم و پخته شدند می‌توانید نمک و فلفل سیاه را به غذا اضافه کنید. در صورتیکه غذای شما رنگ دلخواه نداشت می‌توانید یک قاشق رب گوجه فرنگی سرخ شده را به غذایتان اضافه کنید. قابل توجه شما این که، هرچه زمان پخت این آبگوشت طولانی‌تر باشد غذای شما خوش رنگ‌تر خواهد بود.

آب‌لیمو را هنگام سرو غذا داخل ظرف بریزید در غیر این صورت طعم غذا در اثر جوشیدن آب‌لیمو تلخ خواهد شد.



فرهنگی



▲ نشست بصیرتی، راهپیمایی ۱۳ آبان، استاد دیلمقانی (زید عزه)



▲ جشن میلاد رسول اکرم (ص)، سرکار خانم پرهیزگار (زید عزه)



▲ راهپیمایی ۱۳ آبان، اساتید و طلاب مدرسه



▲ کارگاه حرم شناسی، حرم مطهر رضوی، استاد شریعتی (زید عزه)



▲ کارگاه مهدویت، سرکار خانم علیزاده (زید عزه)



▲ جشن میلاد امام حسن عسکری (ع)، استاد شاه جعفری (زید عزه)



▲ نشست بصیرتی هفته بسیج، دکتر حاتمی راد (زید عزه)



▲ طلیعه حضور، استاد ایمانی (زید عزه)



▲ آتش نشانی، جناب آقای اقبالی (زید عزه)



▲ دفاع مقدس، استاد جوشقانی (زید عزه)



▲ شهادت امام سجاد علیه السلام، جناب آقای شاقلانی (زید عزه)



▲ شهادت امام سجاد علیه السلام، جناب آقای شاقلانی (زید عزه)



▲ نشست بصیرتی FATF، حجت الاسلام والمسلمین علیزاده (زید عزه)



▲ شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام حسن مجتبی علیه السلام، امام جمعه پردیسان؛ حجت الاسلام والمسلمین قوامی (زید عزه)

پژوهش



▲ نشست کتاب خوان، سرکار خانم پرهیزگار (زید عزه)



▲ کارگاه نویسندگی، استاد هادی منش (زید عزه)



▲ نشست نقد و بررسی کتاب، استاد هادی منش (زید عزه)



▲ اهدای کتاب، مدیر محترم خانم فاطمه پرهیزگار (زید عزه)



▲ نمایشگاه تخصصی کتاب، مدرسه کریمه



▲ نمایشگاه کتاب، سرکار خانم معصومه ظهیری (زید عزه)



▲ روز شهادت حضرت معصومه علیها السلام، گروه کریمه



▲ روز شهادت حضرت معصومه (ع)، استاد محمدی (زید عزه)



▲ شب شهادت حضرت معصومه علیها السلام، حرم مطهر



▲ عتکاف علمی، طلاب مدرسه



▲ جلسه اساتید با حضور هیئت امنا مدرسه



▲ جلسه اساتید با حضور مدیر محترم خانم فاطمه پرهیزگار



• شاعر : مقام معظم رهبری

دل را ز بی خودی سر از خود رمیدن است
جان را هوای از قفس تن پریدن است

از بیم مرگ نیست که سرداده‌ام فغان
بانگ جرس ز شوق به منزل رسیدن است

سوی تو این خلاصه گلزار زندگی
مرغ ننگه در آرزوی پرکشیدن است

بگرفت آب و رنگ ز فیض حضور تو
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است

با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم
تقدیر قصه دل من ناشنیدن است

آن را که لب به دام هوس گشت آشنا
روزی (امین) سزا لب حسرت گزیدن است

دستم نمی‌رسد که دل از سینه برکنم
باری علاج شکر گریبان دریدن است

شامم سیه‌تر است ز گیسوی سرکشت
خورشید من برای که وقت دمیدن است

• شاعر : امام خمینی (ره)

به کمند سر زلف تو، گرفتار شدم
شهره شهر به هر کوچه و بازار شدم

گر برانی ز درم، از در دیگر آیم
گر برون راندی‌ام، از خانه ز دیوار شدم

مستی علم و عمل رخت بیست از سر من
تا که از ساغر لبریز تو، هشیار شدم

پیش من هیچ به از لذت بیماری نیست
تا ز بیماری چشمان تو بیمار شدم

نشود بر سر کوی تو بیابم راهی
از دم پیر در این راه، مددکار شدم

دامن از آنچه که انباشته‌ام، برچیدم
تا که خجلت زده در خدمت خمار شدم



۱۷ سفید ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و روز زینب ۲۰ جمادی الثانی

۲۹ سفید ولادت امام علی علیه السلام و روز یحییٰ ۱۳ رجب

